

اندونزی:

چگونگی تشکیل، انحلال و ادغام «روستا» در قوانین موضوعه

مجموعه گزارش‌های مطالعات تطبیقی تقسیمات سیاسی - اداری (۳)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:
۱۴۰۳/۵/۳۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۹۹۸۴
کد موضوعی: ۲۶۰

عنوان گزارش:
اندونزی:

چگونگی تشکیل، انحلال و ادغام «روستا» در قوانین موضوعه
مجموعه گزارش‌های مطالعات تطبیقی تقسیمات سیاسی-اداری (۳)

نوع گزارش:

طرح و لایحه □، نظارتی □، راهبردی ■

نام دفتر:

مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین:

فاطمه‌سادات میراحمدی

اظهار نظر کنندگان:

محسن بابایی، محمدرضا عبدلی (دفتر مطالعات زیربنایی)

ناظران علمی:

مهدی امیری، حسن کریمی‌فرد

گرافیک و صفحه‌آرایی:

زهرا دلآوری

ویراستار ادبی:

زهرا عطاردی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۳/۰۱/۱۵

واژه‌های کلیدی:

۱. تقسیمات کشوری
۲. تشکیل، انحلال و ادغام روستا
۳. اندونزی
۴. فرایند



فهرست مطالب

۶	چکیده.....
۷	خلاصه مدیریتی.....
۸	۱. مقدمه.....
۹	۲. پیشینه پژوهش.....
۹	۲-۱. سوابق مطالعاتی در مرکز.....
۹	۳. پیشینه قوانین مربوط به روستا در اندونزی.....
۱۵	۴. قانون ۲۰۱۴/۶ در خصوص روستا.....
۱۶	۴-۱. شاخص‌های ایجاد، انحلال، ادغام و تغییر وضعیت روستا.....
۱۶	۴-۱-۱. ایجاد روستا.....
۱۷	۴-۱-۲. انحلال و ادغام روستاها.....
۱۷	۴-۱-۳. تغییر وضعیت روستاها.....
۱۸	۴-۲. فرایند انجام ترتیبات روستا.....
۱۸	۴-۲-۱. فرایند ایجاد روستا به ابتکار دولت مرکزی.....
۱۹	۴-۲-۲. فرایند ایجاد روستا به ابتکار دولت منطقه‌ای، قبل از ارائه پیش‌نویس به استاندار.....
۲۰	۴-۲-۳. فرایند انجام تغییر وضعیت روستا به ابتکار دولت منطقه‌ای، قبل از ارائه پیش‌نویس به استاندار.....
۲۱	۴-۲-۴. فرایند ایجاد، انحلال و تغییر وضعیت روستا پس از ارائه پیش‌نویس به استاندار.....
۲۲	۵. دلالت‌های سیاستی.....
۲۴	۶. نتیجه‌گیری.....
۲۴	منابع و مأخذ.....

فهرست جداول

۱۲	جدول ۱. حکمرانی روستایی در قوانین ۱۹۷۹/۵، ۱۹۹۹/۲۲، ۲۰۰۴/۳۲ جمهوری اندونزی.....
۱۶	جدول ۲. حدنصاب جمعیتی برای ایجاد روستا طبق جزء «ب» بند «۳» ماده (۸) قانون ۲۰۱۴/۶ درباره روستا.....



اندونزی:

چگونگی تشکیل، انحلال و ادغام «روستا» در قوانین موضوعه مجموعه گزارش‌های مطالعات تطبیقی تقسیمات سیاسی - اداری (۳)

چکیده



انتزاع یک روستای جدید از روستای مادر، حدنصاب‌های جمعیتی متفاوت جهت ایجاد روستا برای مناطق مختلف کشور، وجود پتانسیل‌ها در زمینه منابع طبیعی، منابع انسانی و منابع اقتصادی حمایتی، وجود امکانات و زیرساخت‌ها برای دولت روستا و خدمات عمومی، و در دسترس بودن وجوه عملیاتی، درآمد ثابت و سایر کمک‌هزینه‌ها برای کارکنان دولت روستا به‌عنوان شاخص‌های ایجاد روستا تعیین شده است. همچنین قانون و آیین‌نامه‌های مربوطه فرایند ایجاد، انحلال و ادغام روستا را به‌صورت دقیق و گام‌به‌گام شرح داده است. ایجاد، ادغام و تغییر وضعیت روستاها طبق مقررات منطقه‌ای (استانی) انجام می‌شود و نه تصویب قانون. البته ایجاد روستا از طریق ابتکار دولت در «مناطق ویژه و استراتژیک» امکان‌پذیر است، اما در نهایت باید در مقررات منطقه‌ای تصریح شود.

در کشور ما طی دهه‌های اخیر مدیریت روستایی با چالش‌هایی مواجه بوده که نتیجه آن تخلیه روستاها، مهاجرت‌های روستا-شهری، و تبدیل روستاهای کوچک به شهرهای ناکارآمد است. یکی از مواردی که می‌تواند در اصلاح یا تغییر قواعد مرتبط با روستاها در نظام تقسیمات سیاسی و اداری کشور به متخصصین امر کمک کند، اطلاع از چگونگی تشکیل و اداره روستا در قوانین سایر کشورهاست. در این راستا گزارش حاضر، ضمن بررسی پیشینه قوانین مربوط به روستا در اندونزی، به قوانین و مقررات حاکم در خصوص ایجاد، انحلال، و ادغام روستا در کشور مذکور می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که در کشور اندونزی تشکیل روستا تابع قانون ۲۰۱۴/۶ حکومت اندونزی در خصوص روستا، استفساریه قانون مذکور و نیز آیین‌نامه اجرایی آن است. شرط سنی پنج سال به‌منظور



بیان / شرح مسئله

نواحی روستایی کارکردهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی دارند. مدیریت کلان و محلی روستایی در کشور ماطی دهه‌های اخیر با چالش‌هایی مواجه بوده است. از جمله پیامدهای این وضعیت تخلیه روستاها، مهاجرت‌های مدیریت نشده روستا-شهری، و تبدیل روستاهای کوچک به شهرهای ناکارآمد است. غلبه بر این وضعیت در وهله نخست مستلزم وجود قانونی حاوی احکام و قواعدی مستحکم در خصوص شاخص‌ها و فرایند تشکیل، انحلال، ادغام و تغییر وضعیت روستا و چگونگی اداره آن است. یکی از مواردی که می‌تواند در اصلاح یا تغییر قواعد مرتبط با روستاها در نظام تقسیمات سیاسی-اداری به‌ویژه قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب سال ۱۳۶۲، به متولیان امر کمک کند، اطلاع از چگونگی تشکیل و اداره روستا در قوانین سایر کشورهاست. در این راستا، گزارش حاضر به این سؤال می‌پردازد که تشکیل، انحلال و ادغام روستا در قوانین موضوعه کشور اندونزی، طبق چه شاخص‌ها و فرایندهای انجام می‌شود.

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

هدف از ایجاد، انحلال، ادغام، و تغییر وضعیت روستا در اندونزی، طبق «قانون ۲۰۱۴/۶ درباره روستا» عبارت است از تحقق بخشیدن به اثربخشی مدیریت روستایی، تسریع در بهبود رفاه جامعه روستا، تسریع بهبود کیفیت خدمات عمومی، بهبود کیفیت حکمرانی روستایی، و افزایش رقابت‌پذیری روستا.

در خصوص شاخص‌ها و فرایند ایجاد، انحلال، ادغام، و تغییر وضعیت روستا در «قانون ۲۰۱۴/۶، درباره روستا»، استفساریه قانون مذکور و نیز آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور نکات ذیل قابل تأمل است:

■ **ایجاد روستا** به این شرح تعریف شده است: «ایجاد روستا... عمل ایجاد یک روستای جدید در خارج از روستای موجود است».

■ **اشکال ایجاد روستا** تعریف شده است. بدین صورت که ایجاد روستا می‌تواند به شکل الف) تقسیم یک روستا به دو روستا یا بیشتر، ب) ادغام بخش‌هایی از روستاهای هم‌جوار برای تبدیل به یک روستا یا ج) ادغام چندین روستا و تبدیل آنها به یک روستای جدید باشد. همچنین قانون، تشکیل قریه، یا آنچه با عنوان دیگری

نامیده می‌شود درون قلمرو روستا، را با توجه به خاستگاه، آداب و رسوم و ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی جامعه روستا به رسمیت شناخته است.

■ **قانون برای ایجاد روستا شاخص‌ها و الزاماتی** به شرح زیر تعریف کرده است:

نخست، برای انتزاع یک روستای جدید، از روستای مادر، شرط **سنی پنج سال** تعیین شده است. بدین معنا که یک روستا از زمان تشکیل تا پنج سال نمی‌تواند تقسیم شود.

دوم، برای مناطق مختلف کشور، **حدنصاب‌های جمعیتی متفاوتی** برای ایجاد روستا تعیین شده است. حدنصاب مذکور برای منطقه جاوه حداقل ۶,۰۰۰ نفر یا ۱,۲۰۰ سرپرست خانوار، بالی حداقل ۵,۰۰۰ نفر یا ۱,۰۰۰ سرپرست خانواده، سوماترا حداقل ۴,۰۰۰ نفر یا ۸۰۰ سرپرست خانوار، سولاوسی جنوبی و سولاوسی شمالی حداقل ۳,۰۰۰ نفر یا ۶۰۰ سرپرست خانوار، نوسا تنگارا غربی حداقل ۲,۵۰۰ نفر یا ۵۰۰ سرپرست خانوار، سولاوسی مرکزی، سولاوسی غربی، سولاوسی جنوب شرقی، گورنتالو و کالیمانتان جنوبی حداقل ۲,۰۰۰ نفر یا ۴۰۰ سرپرست خانوار، کالیمانتان شرقی، کالیمانتان غربی، کالیمانتان مرکزی و کالیمانتان شمالی حداقل ۱,۵۰۰ یا ۳۰۰ سرپرست خانوار، نوسا تنگارا شرقی، مالوکو و مالوکو شمالی حداقل ۱,۰۰۰ نفر یا ۲۰۰ سرپرست خانوار؛ و پاپوآ و پاپوآ غربی حداقل ۵۰۰ نفر یا ۱۰۰ سرپرست خانوار است.

سوم، برای ایجاد روستا، محدوده مربوطه علاوه بر دو مورد فوق، باید دارای سایر الزامات، از جمله وجود پتانسیل‌هایی شامل منابع طبیعی، منابع انسانی و منابع اقتصادی حمایتی، امکانات و زیرساخت‌ها برای دولت روستا و خدمات عمومی، و در دسترس بودن وجوه عملیاتی، در آمد ثابت و سایر کمک‌هزینه‌ها برای کارکنان دولت روستا مطابق با مفاد قوانین و مقررات باشد.

چهارم، همانند ایجاد استان، ریجنسی و شهر در اندونزی، ایجاد یک روستا «از طریق یک روستای مقدماتی انجام می‌شود». روستای مقدماتی در واقع بخشی از قلمرو روستای مادر است که می‌توان آن را در یک دوره یک الی سه ساله به وضعیت روستا ارتقا داد.

■ **قانون، امکان انحلال روستاها** را به دلیل اثرات بلایای طبیعی و/یا منافع طرح‌های استراتژیک ملی (برنامه‌های احداث مخازن



پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

هر چند اندونزی، به عنوان یک کشور مجمع‌الجزایری، از منظر جغرافیایی-سیاسی شرایطی متفاوت از کشور ما دارد، اما با این حال می‌توان برخی تجارب مثبت این کشور در خصوص شاخص‌ها و فرایندهای ایجاد، انحلال، ادغام و تغییر وضعیت روستا را در زمان اصلاح قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مدنظر قرار داد. به کار گرفتن ترکیبی از شاخص‌های متنوع قلمرویی، اقتصادی، اداری و... برای ایجاد روستا و تعریف آنها در قانون، پیش‌بینی حدنصاب‌های جمعیتی متفاوت جهت تشکیل روستا متناسب با ویژگی‌های جغرافیای طبیعی و انسانی مناطق مختلف کشور، پیش‌بینی فرایند گام‌به‌گام برای تشکیل یک روستا در قانون، پیش‌بینی ایجاد یک روستای مقدماتی، به منظور ایجاد زیرساخت‌های مختلف مورد نیاز، قبل از اینکه یک محدوده جغرافیایی رسماً تبدیل به روستا شود، و پیش‌بینی گزینه تبدیل وضعیت شهرهای کم‌جمعیت، ناکارآمد و دارای مشخصه‌های روستایی به وضعیت روستا در قانون، از جمله نقاط مثبت «قانون ۲۰۱۴/۶، درباره روستا»، استفساریه قانون مذکور و نیز آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور است.

یا سدها که منطقه روستا را پوشش می‌دهد)، پیش‌بینی کرده است. ■ قانون، تغییر وضعیت روستاها را در سه حالت الف) تبدیل روستا (دسا) به کلوراهان، ب) تبدیل کلوراهان به روستا، و ج) تبدیل روستای سنتی به روستا، پیش‌بینی و الزاماتی که در تغییر وضعیت روستا باید رعایت شود را تعیین کرده است. این الزامات عمده‌تاً ناظر بر مساحت، جمعیت، پتانسیل‌های اقتصادی، زیرساخت‌ها، و شرایط فرهنگی-اجتماعی است. مهم اینکه طبق قانون ۲۰۱۴/۶ و آیین‌نامه اجرایی آن یک کلوراهان قابلیت تبدیل مجدد به یک روستا را دارد.

■ ایجاد، انحلال، ادغام و/یا تغییر وضعیت یک روستا در «مقررات منطقه‌ای» تصریح می‌شود. البته ایجاد روستا از طریق ابتکار دولت در «مناطق ویژه و استراتژیک»^۱ امکان‌پذیر است، اما در نهایت باید در مقررات منطقه‌ای تصریح شود. نکته مهم در خصوص فرایند ایجاد، انحلال، ادغام و تغییر وضعیت روستاها در اندونزی این است که در قانون و آیین‌نامه اجرایی آن فرایند گام‌به‌گام ایجاد، انحلال، ادغام و تغییر وضعیت روستاها قبل از ارائه پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای به استاندار و پس از آن، ذکر شده و در این زمینه دیدگاه‌های جامعه محلی در مراحل ابتدایی فرایند در نظر گرفته شده است.

۱. مقدمه

نواحی روستایی در فرایند پیشرفت و آبادانی کشور، کارکردهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی متعددی دارند. به ویژه اینکه نواحی مذکور به جهت برخورداری از عرصه‌های کشاورزی و منابع طبیعی، کانون و پایگاه اصلی تولید مواد غذایی زراعی، باغی، دامی، طیور و آبزیان هستند. از طرفی وجود جاذبه‌های گردشگری طبیعی، تاریخی، مذهبی، ورزشی و... در این نواحی و تولید صنایع دستی متنوع توسط روستاییان، به عنوان ظرفیت بالقوه‌ای برای اشتغال‌زایی و کاهش فقر و بیکاری قلمداد می‌شود که در صورت برنامه‌ریزی جامع، دقیق و صحیح جهت بالفعل‌سازی این ظرفیت‌های اقتصادی، صنعت گردشگری کشور رونق یافته و در نتیجه به رشد و شکوفایی اقتصادی محلی و ملی منجر خواهد شد [۱]. مدیریت کلان و محلی روستایی در کشور ما طی دهه‌های اخیر با مسائلی مواجه بوده که نتیجه آن چالش‌هایی از جمله تخلیه روستاها، مهاجرت‌های روستا-شهری، و تبدیل روستاهای کوچک به شهرهای ناکارآمد است [۲].

بالفعل شدن ظرفیت‌های روستاها، در وهله نخست، نیازمند وجود قانونی حاوی احکام و قواعدی مستحکم در خصوص شاخص‌ها و فرایند تشکیل، انحلال و ادغام روستا، در نظر گرفتن روستا به عنوان یک موجودیت قانونی مستقل، وجود یک نهاد محلی کارآمد برای مدیریت روستا، داشتن صلاحیت هنجارگذاری در زمینه‌های اداری-مالی و... وجود

۱. از ۳۸ استان اندونزی ۹ استان دارای وضعیت ویژه از منظر اداری بوده و دارای اختیارات بیشتری در مقایسه با سایر استان‌ها هستند. همچنین نواحی مرزی و جزایر بیرونی اندونزی استراتژیک تلقی می‌شوند. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به گزارش اندونزی: چگونگی تشکیل، انحلال و ادغام مناطق در قوانین موضوعه مجموعه گزارش‌های مطالعات تطبیقی تقسیمات سیاسی-اداری (۲). دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شماره مسلسل ۱۹۷۸۸. اردیبهشت ۱۴۰۲.

سازوکاری صحیح برای ارتباط میان نهاد مدیریتی روستا با سطوح بالاتر دولت، نگاه صحیح به مقوله توسعه روستایی و وجود برنامه‌هایی با افق زمانی مشخص برای توسعه روستا، وجود منابع انسانی کارآمد و داشتن منابع مالی پایدار به منظور انجام وظایف و اعمال صلاحیت‌ها و نیز ایجاد زیرساخت‌ها برای ارائه خدمات به جامعه روستا و... است. یکی از مواردی که می‌تواند در اصلاح یا تغییر قواعد مرتبط با روستاها در نظام تقسیمات سیاسی و اداری به متولیان امر کمک کند، اطلاع از چگونگی تشکیل و اداره روستا در قوانین سایر کشورهاست.

در ادامه سلسله گزارش‌های مربوط به نظام تقسیمات سیاسی-اداری اندونزی، گزارش حاضر به این مسئله می‌پردازد که طبق «قانون ۲۰۱۴/۶ درباره روستا» [۳]، استفسار به قانون مذکور [۴]، آیین‌نامه اجرایی قانون ۲۰۱۴/۶ درباره روستا [۵] و استفسار به آیین‌نامه مذکور [۶] یک روستا، طبق چه شاخص‌ها و فرایندهای ایجاد می‌شود. در این راستا، ابتدا به سوابق قوانین مربوط به روستا در اندونزی پرداخته می‌شود و سپس شاخص‌ها و فرایندهای تشکیل، انحلال و ادغام روستا در اندونزی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتنی است که طبق اعلام صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی^۲ در سال ۲۰۱۹، از هر پنج اندونزیایی، سه نفر در نواحی روستایی زندگی می‌کردند [۷]. بانک جهانی (۲۰۲۱) تخمین زده است که ۴۴٫۶۸ درصد از جمعیت اندونزی، که شامل بیش از ۱۰۰ میلیون نفر است، در نواحی روستایی ساکن هستند. لازم به ذکر است که هم‌اکنون نزدیک به حدود ۷۵۰۰۰ روستا (از نوع دسا) در اندونزی وجود دارد. علاوه بر این، بسیاری از جمعیت شهری اندونزی را مهاجران روستایی تشکیل می‌دهند که ارتباطات قوی با روستاهای محل تولد خود با تمایل به بازگشت به روستاها در زمان سختی اقتصادی و نبود اشتغال را حفظ می‌کنند [۸].

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. سوابق مطالعاتی در مرکز

است که شماره‌های پیشین آن «رشد تکثیری قلمرویی در اندونزی: دلایل و پیامدها» (با شماره مسلسل ۱۹۷۸۲) و «اندونزی: چگونگی تشکیل، انحلال و ادغام مناطق در قوانین موضوعه» (با شماره مسلسل ۱۹۷۸۸) نام دارد.

بررسی‌های صورت گرفته حاکی از خلأ ادبیات پژوهشی درباره بررسی قوانین کشور اندونزی در خصوص چگونگی تشکیل و اداره «روستا» است. گزارش حاضر سومین گزارش از سلسله گزارش‌های مطالعات تطبیقی تقسیمات سیاسی اداری در خصوص اندونزی

۳. پیشینه قوانین مربوط به روستا در اندونزی

در دوران استعمار آغاز شد. مقررات مربوط به روستاها در سال ۱۸۵۴ بیان می‌داشت که دولت روستا دارای حق مدیریت امور خود، با استناد به مقررات فرماندار کل است.^۳ مقررات ۱۸۵۴

روستا در اندونزی همواره بین تابعیت و خودمختاری به عقب و جلو حرکت کرده است [۹]. از نظر تاریخی وابستگی روستا به دولت سطح بالاتر خود در نظام تقسیمات سیاسی-اداری

۱. همان‌گونه که در گزارش قبل بیان شد، حکومت تک‌ساخت جمهوری اندونزی به استان‌ها تقسیم می‌شود؛ این استان‌ها به ریجنسی‌ها (کابوپاتن) و شهرداری‌ها (کوتا) تقسیم می‌شوند. محدوده شهرداری/ریجنسی‌ها، به کجامتان تقسیم می‌شود که در واقع واحدهای اداری دولتی کوچکتر هستند. کجامتان‌ها خود به روستاها (کلوراهان و/یا دسا) تقسیم می‌شوند. اصطلاح دسا عمدتاً برای ریجنسی‌ها و اصطلاح کلوراهان بیشتر برای شهرها به کار می‌رود.

2. International Fund for Agriculture Development

۳. برای اطلاعات بیشتر در خصوص نظام تقسیمات سیاسی-اداری اندونزی در دوره استعمار، رجوع شود به میراحمدی، فاطمه‌سادات، «رشد تکثیری قلمرویی در اندونزی: دلایل و پیامدها»، دفتر مطالعات سیاسی. مرکز پژوهش‌های مجلس. شماره مسلسل ۱۹۷۸۲، اردیبهشت ۱۴۰۳.



معکوس شد، که معتقد بود خودمختاری در سطح روستا برخلاف منافع ملی، تحریک رشد اقتصادی، ثبات و امنیت است. نظم نوین تغییرات عمده‌ای را در حکمرانی روستا ایجاد و بدین ترتیب قدرت دولت مرکزی را تقویت کرد. در دوره نظم نوین، دهداران دیگر توسط جمعیت روستا انتخاب نمی‌شدند، بلکه توسط ریجنت انتخاب و منصوب می‌شدند. بسیاری از این دهداران از خارج از روستا آمده و سابقه نظامی داشتند و وفاداران رژیم سوهارتو بودند. در سال ۱۹۶۹، رئیس‌جمهور سوهارتو فرمان شماره ۱۶/۱۹۶۹ را در مورد بودجه روستا صادر کرد، که کمک مالی سالیانه دولت مرکزی برای تمام روستاهای کشور بود، اما به جای اینکه به‌طور مستقیم به روستاها اختصاص یابد به ریجنسی‌ها تخصیص می‌یافت. میزان کمک هزینه بستگی به تعداد روستاهای یک منطقه داشت. این انتقالات مالی، محرکی برای یکپارچگی حکمرانی محلی در سطح روستا بود [۹]. دولت سوهارتو سپس دو قانون جدید تصویب کرد: قانون شماره ۵/۱۹۷۴ در مورد دولت منطقه‌ای و قانون شماره ۵/۱۹۷۹ در مورد دولت روستایی. براساس این دو قانون، مدل دولت محلی به مدل رایج در دوران استعمار بازگشت [۱۰]. قوانین مذکور به یکپارچگی ملی و کنترل متمرکز گرایش داشت. قانون شماره ۵/۱۹۷۹، روستا را به‌عنوان یک واحد اداری تحت هماهنگی رئیس‌کچامتان (چامات) تعریف کرد و هدف رسمی آن حمایت از رشد اقتصادی ملی، برابری، ثبات و امنیت بود [۹]. این قانون ساختار یکسانی از حکمرانی در سراسر کشور، صرف‌نظر از زمینه‌ها و شرایط محلی را الزامی می‌کرد. طبق قانون، در حالی که رؤسای روستاها از لحاظ نظری توسط جوامعی که قصد خدمت به آنها را داشتند انتخاب می‌شدند، در عمل، این انتخابات به‌شدت توسط ریجنت‌ها و سایر مقامات کنترل و نظارت می‌شد و تأیید آنها به صراحت یا به‌طور ضمنی برای اشغال این موقعیت شغلی توسط افراد، مورد نیاز بود. رؤسای روستاها در طول دوره مدیریت خود، به این مقامات سطح بالاتر وابسته بودند و کنترل مستقل کم یا هیچ کنترل مستقیمی بر بودجه روستا جهت مدیریت توسعه نداشتند [۸].

به‌واسطه مقررات سال ۱۹۴۱ لغو شد که بیان می‌داشت روستاها حق دارند بدون مراجعه به مقررات بالادستی، امور خود را اداره کنند [۸]. به‌عبارتی دقیق‌تر دولت هلند، در اواخر دوران استعمار، سیاست عملگرایی‌ای را اتخاذ کرد که به روستاها اجازه می‌داد امور داخلی خود را براساس قواعد سنتی / عرفی^۱ اداره کنند. طبق مقررات ۱۹۴۱، دهدار نقش دوگانه‌ای داشت: او هم‌زمان به‌عنوان رئیس جامعه روستا و نماینده دولت استعماری خدمت می‌کرد. این ساختار دوگانه سیاست‌های اخذ مالیات را تسهیل می‌کرد و کشت محصولات برای بازار جهانی را اجبار یا ترویج می‌داد. دهداران، خود از مالیات جمع‌آوری شده، سهم مالی داشتند که به راحتی منجر به سوءاستفاده می‌شد. در عین حال، بخشی از پاداش‌های مالیاتی به منظور تأمین مالی مراقبت‌های بهداشتی برای روستاییان و ارتقای کالاهای عمومی مشابه استفاده می‌شد. با وقوع جنگ جهانی دوم و اشغال اندونزی توسط ژاپن (۱۹۴۵-۱۹۴۲) این مقررات قابلیت اجرای خود را از دست داد.

پس از دوره استعمار و با استقلال اندونزی، در اولین قانون اساسی اندونزی در سال ۱۹۴۵ روح ملی‌گرایی و وحدت ملی حاکم شد که استقلال و تنوع روستاها را تضعیف می‌کرد. با این وجود، ماده (۱۸) به «سیستم دولتی و حقوق خاستگاه^۳ قلمروهای ویژه» اشاره داشت، و مفادی را ناظر بر تنوع در دولت محلی ارائه داد که شامل احترام به حقوق عرفی و سنتی قلمروهای مذکور بود. قانون اساسی ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰ دارای بندهای مشابهی بود.^۵

از منظر قانونگذاری، دوره بین سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۶۵ شاهد توالی سریعی از تصویب قوانین تنظیم‌کننده حکمرانی روستایی بود که شامل ۶ قانون در یک دوره ۲۰ ساله است. روند کلی این قوانین به سمت یک سیستم واحد حکمرانی روستایی برای کل کشور در ترکیب با درجه زیادی از خودمختاری روستاها بود [۹]. به‌عنوان مثال قانون شماره ۲۲/۱۹۴۸ به‌طور خاص مقرر می‌دارد که روستاها پایین‌ترین سطح از خودمختاری هستند و صلاحیت تنظیم امور خود را بدون نیاز به رجوع به قواعد سطوح بالاتر دارند [۸]. این روند توسط رژیم نظم نوین سوهارتو^۶ (۱۹۹۸-۱۹۶۶)

1. Adat

۲. در این گزارش منظور از دهدار، رئیس روستاست ((Desa adalah (village head) که با دهدار در نظام تقسیماتی ایران متفاوت است.

3. Asal-Usul (Origin)

۴. برای اطلاعات بیشتر در خصوص تغییرات قانون اساسی اندونزی رجوع شود به گزارش «روند تکثیر قلمرویی در اندونزی دلایل و پیامدها مجموعه گزارش‌های مطالعات تطبیقی تقسیمات سیاسی - اداری (۱)». شماره مسلسل ۱۹۷۸۲. ۱۴۰۳.

۵. ماده (۱۸) (ب) قانون اساسی اندونزی بیان می‌دارد: «۱. حکومت، واحدهای دولت منطقه‌ای با ماهیت ویژه یا منحصر به فرد را که توسط قانون تنظیم می‌شود به رسمیت می‌شناسد و به آنها احترام می‌گذارد. ۲. حکومت جوامع قانونی عرفی را به همراه حقوق عرفی سنتی آنها، تا زمانی که وجود دارند، مطابق با توسعه جامعه و اصل تک‌ساخت بودن حکومت جمهوری اندونزی به رسمیت می‌شناسد و به آنها احترام می‌گذارد، که توسط قانون تنظیم می‌شود».

6. New Order Regime

ذکر شده است که قانون ۱۹۷۹/۵، با روح قانون اساسی ۱۹۴۵ مطابقت ندارد و باید جایگزین شود [۱۴].

قانون ۱۹۹۹/۲۲، روستا را به عنوان یک واحد اجتماعی قانونی تعریف می‌کند که دارای اختیار تنظیم و مدیریت منافع جامعه بوده و در سیستم دولت ملی به رسمیت شناخته شده و در محدوده ریجنسی واقع است. هر چند با تصویب این قانون، دولت مرکزی سطح بالایی از قدرت را به دولت‌های سطح ریجنسی واگذار کرد، با این حال ایجاد شوراهای روستایی^۲ را نیز اجباری کرد که نقش آن اطمینان از پاسخ‌گویی افقی و رو به پایین بود. پس از عملیاتی شدن این قانون، شوراهای روستا در ابتدا قدرت برکناری دهداران را داشتند، که برای دهداران عمیقاً ناخوشایند بود [۸].

در حالی که قانون ۱۹۹۹/۲۲ ویژگی‌های دموکراتیک گسترده‌ای را برای حکمرانی روستا معرفی کرد، قانون شماره ۲۰۰۴/۳۲، برخی از این موارد را پس گرفت [۱۱]. در قانون شماره ۳۲ سال ۲۰۰۴، موقعیت روستا در امتداد دولت سطح بالای آن قرار گرفت. در قانون ۲۰۰۴، شوراهای قدرت برکناری دهدار، محروم شدند. انگیزه این حرکت تمرکززدایی، با تمایل به بهبود کارایی از طریق واگذاری اختیارات طیف گسترده‌ای از حوزه‌ها به حداقل مرجع ذی صلاح و نیز برای حفظ ثبات سیاسی بود. با این اصلاحات، ریجنسی‌ها به واحدهای سیاسی-اداری اولیه تبدیل شدند که دارای مقاماتی بودند که اختیاراتی در زمینه مسائلی مانند ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی و سایر خدمات اساسی و همچنین حکمرانی واحدهای اداری سطح پایین تر بودند. با این حال، اثبات شد که ظرفیت ریجنسی، به ویژه برای ارائه خدمات به روستاها، ضعیف تر از آنچه است که پیش‌بینی شده بود [۸] جدول ۱ رویکرد قوانین ۱۹۷۹/۵، ۱۹۹۹/۲۲ و ۲۰۰۴/۳۲ در خصوص برخی از موضوعات مهم مربوط به روستا نشان می‌دهد.

با این حال، این قانون مؤسسات جدید تحت کنترل شدید دهدار برای فراهم کردن ظرفیت اجرای سیاست‌های دولت ملی را فراهم کرد. توسعه در قالب طرح‌هایی سازماندهی شد که از طریق یک زنجیره طولانی دهداران را به رئیس‌جمهور متصل می‌کرد [۹]. این طرح‌ها توسط دولت‌های سطوح بالاتر یا وزارتخانه‌ها مدیریت می‌گردید که اغلب بدون توجه به اولویت‌های روستاییان اجرا می‌شد. همچنین سازوکارهای بسیار محدود و ناکارآمدی برای اطمینان از پاسخ‌گویی رو به پایین دهداران به جوامع خود وجود داشت، که با عدم شفافیت بودجه و نبود مکانیسم‌هایی که اعضای جامعه را قادر سازد در مورد هزینه‌ها سؤال کنند، درخواست‌های خود را بیان نمایند، یا رهبران خود را پاسخ‌گو سازند؛ اثر آنها تضعیف می‌شد. در عین حال، رهبران و نهادهای سنتی یا از قدرت محروم شدند یا توسط مقامات سطح بالاتر انتخاب گردیدند و در نتیجه جامعه تضعیف شد [۸]. دهداران اعضای حزب دولتی گلکار^۱ شدند و به عنوان ابزاری برای حفظ کنترل شدید بر فعالیت‌های روستا در دیوان‌سالاری ملی گنجانیده شدند. بنابراین دولت‌های روستایی تعریف شده در قانون ۱۹۷۹/۵، امور روستا را تحت نظارت و کنترل شدید مقامات بالاتر قرار داد [۱۱]. در واقع طبق این قانون، روستا در امتداد سطوح بالایی دولت قرار دارد. سقوط سوهارتو در سال ۱۹۹۸ یک فرایند تمرکززدایی و دموکراتیزه شدن سریع را به ارمغان آورد که منجر به تغییرات اساسی در حکمرانی روستایی شد. در حالی که پیش از این روستاها، بدون داشتن هیچ‌گونه اختیار یا خودمختاری در روند توسعه، به طور کامل توسط دولت مرکزی کنترل می‌شدند [۱۲]. قانون شماره ۱۹۹۹/۲۲ در باره دولت منطقه‌ای، که جایگزین قانون ۱۹۷۹/۵ در مورد روستا شد، خودمختاری بیشتری را به جوامع روستایی (دسا) اعطا کرد [۱۳]. در مقدمه این قانون

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص حزب گلکار رجوع شود به گزارش «روند تکثیر قلمرویی در اندونزی: دلایل و پیامدها مجموعه گزارش‌های مطالعات تطبیقی تقسیمات سیاسی-اداری (۱)». شماره مسلسل ۱۹۷۸۲. ۱۴۰۳.



جدول ۱. حکمرانی روستایی در قوانین ۱۹۷۹/۵، ۱۹۹۹/۲۲، ۲۰۰۴/۳۲ جمهوری آندونزی

قانون ۲۰۰۴/۳۲	قانون ۱۹۹۹/۲۲	قانون ۱۹۷۹/۵	
<p>یک جامعه قانونی: بند «۱۲» ماده (۱) بیان می‌دارد: روستا به معنای یک واحد جامعه قانونی، دارای مرزهای قلمرویی می‌باشد که مجاز به تنظیم و مدیریت منافع جامعه محلی، براساس خاستگاه و سنت‌های محلی است که در چارچوب حکومت تک‌ساخت آندونزی به رسمیت شناخته شده و مورد احترام است.</p>	<p>یک جامعه قانونی در ریجنسی: طبق بند «غ»، ماده (۱)، روستا یک واحد جامعه قانونی است که دارای اختیار برای تنظیم و مدیریت منافع جامعه محلی براساس خاستگاه و سنت‌های محلی است که در سیستم دولت ملی به رسمیت شناخته شده و در محدوده ریجنسی قرار دارد.</p>	<p>پایین‌ترین سطح سازمان دولتی که مستقیماً ذیل چامات قرار دارد: بند «الف» ماده (۱) قانون ۱۹۷۹/۹ بیان می‌دارد: روستا ناحیه‌ای است که توسط تعدادی از ساکنان به عنوان یک واحد اجتماعی اشغال شده است، یک واحد اجتماعی قانونی که دارای پایین‌ترین سطح سازمان دولتی مستقیماً زیر نظر چامات است و دارای حق سازماندهی امور خود درون چارچوب حکومت تک‌ساخت آندونزی است.</p>	تعریف روستا
<p>توسط مقررات منطقه‌ای: طبق بند «۲» ماده (۲۰۰) تشکیل، انحلال، و ادغام روستاها با در نظر گرفتن خاستگاه آنها با توجه به ابتکار جامعه انجام می‌شود. طبق بند «۳» ماده مذکور، روستاها می‌توانند به تدریج وضعیت خود را برای تبدیل به کچامتان طبق پیشنهادات و ابتکارات دولت روستا و شورای روستا به موجب مقررات منطقه‌ای تغییر دهند.</p>	<p>توسط مقررات منطقه‌ای: طبق ماده (۹۳) روستاها را می‌توان با در نظر گرفتن خاستگاه آنها، و با ابتکار جامعه و با تأیید دولت ریجنسی و پارلمان آن ایجاد و یا منحل کرد. ایجاد، انحلال، و/یا ادغام روستاها، توسط مقررات منطقه‌ای تعیین می‌شود.</p>	<p>توسط مقررات وزارت امور داخله: طبق ماده (۲) روستاها با در نظر گرفتن الزامات وسعت، جمعیت، و سایر شرایطی که به موجب مقررات وزارت امور داخله تعیین می‌شود، تشکیل می‌شوند. تعیین نام، مرزها، اختیارات، حقوق و وظایف روستا توسط مقررات منطقه‌ای مطابق با دستورالعمل تنظیم شده توسط وزارت امور داخله تعیین و تنظیم می‌شود. احکام مربوط به تفکیک، ادغام و انحلال روستاها توسط آیین‌نامه وزارت امور داخله تنظیم می‌شود.</p>	نحوه تشکیل روستا
<p>به صورت مستقیم انتخاب و توسط ریجنت منصوب می‌شود: طبق بند «۱۱» ماده (۲۰۳) ده‌دار مستقیماً توسط و از میان ساکنین روستا که شهروند جمهوری آندونزی هستند، انتخاب می‌شود که شرایط و مراحل بعدی انتخاب آنها توسط مقررات منطقه‌ای تنظیم می‌شود که توسط مقررات دولت هدایت خواهد شد. طبق بند «۲» ماده مذکور کاندیدای ده‌داری که بیشترین آرا را کسب کند به عنوان ده‌دار منصوب می‌شود. طبق بند «۱۱» ماده (۲۰۵) ده‌دار منتخب حداکثر طی سی روز پس از انتخابات، توسط ریجنت منصوب می‌شود. طبق ماده (۲۰۴) حداکثر مدت تصدی ده‌دار شش سال است و ده‌دار می‌تواند حداکثر دو دوره خدمت کند (فقط برای یک دوره بعدی).</p>	<p>به صورت مستقیم انتخاب می‌شود، اما نیازمند تأیید و انتصاب از سوی ریجنت است: طبق مواد (۹۴، ۹۵، ۹۶) ده‌دار توسط ساکنین روستا به صورت مستقیم از میان کاندیداهای واجد شرایط انتخاب می‌شود. کاندیدایی که اکثریت آرا را کسب کند توسط شورای روستا به عنوان ده‌دار تعیین^۳ و توسط ریجنت تأیید^۴ و منصوب می‌شود. حداکثر مدت تصدی پنج سال از زمان تأیید رئیس ریجنسی است و ده‌دار می‌تواند حداکثر دو دوره خدمت کند. ده‌دار با توصیه شورای روستا و توسط ریجنت عزل می‌شود (ماده ۱۰۳).</p>	<p>به صورت مستقیم انتخاب می‌شود: بند «۱۱» ماده (۵) بیان می‌دارد، رئیس روستا به صورت مستقیم، عمومی، آزادانه و مخفیانه توسط ساکنین روستا که شهروندان آندونزی هستند، انتخاب می‌شود. حداکثر مدت تصدی هشت سال از تاریخ تحلیف است و ده‌دار می‌تواند حداکثر دو دوره خدمت کند.</p>	نحوه انتخاب ده‌دار

۱. واژه خاستگاه برگردان اصطلاح (asal-usul) است که در زبان آندونزیایی به معنای محل تولد و ریشه خانوادگی یک فرد (اصل و نسب) است. گفتنی است که طبق استفساریه قانون ۲۰۱۴/۶ درباره روستا: منظور از «حقوق خاستگاه» حقوقی است که میراثی ماندگار و ابتکارات روستا یا ابتکارات جامعه روستایی مطابق با توسعه زندگی اجتماعی، از جمله نظام‌های سنتی سازمان اجتماعی، نهادها، مؤسسات و قوانین عرفی، و توافق‌نامه‌ها در زندگی جامعه روستایی است.

- Determine
- Ratify
- Appoint

قانون ۲۰۰۴/۳۲	قانون ۱۹۹۹/۲۲	قانون ۱۹۷۹/۵	
<p>شورای روستا انتصابی است: طبق بند (۱) ماده (۲۱۰) اعضای شورای روستا، نمایندگان از ساکنان روستای مربوطه هستند که با مشورت و اجماع تعیین می‌شوند.</p> <p>طبق بند (۲) ماده مذکور، رئیس شورای روستا توسط و از میان اعضای شورای روستا انتخاب می‌شود.</p> <p>طبق بند (۴) الزامات و روش‌های تعیین اعضا و رئیس شورای روستا در مقررات منطقه‌ای تنظیم خواهد شد که با مقررات دولتی هدایت می‌شود.</p>	<p>شورای روستا انتخابی است: طبق بند (۱) و (۲) ماده (۱۰۵) شورای روستا توسط و از میان ساکنین روستا که شرایط لازم را دارند، انتخاب می‌شود.</p> <p>رئیس شورا توسط شورا و از بین اعضا انتخاب می‌شود.</p>	<p>شورای روستا انتصابی است: طبق بند (۲) ماده (۱۷) اعضای شورای روستا عبارتند از: رؤسای قریه‌ها، رهبران نهادهای اجتماعی و رهبران جامعه در روستاهای مربوطه.</p>	شورای روستا
<p>توسط ده‌دار همراه با شورا: طبق ماده (۲۰۹) شورای روستا برای ایجاد مقررات همراه با ده‌دار، آرمان‌های جامعه را هم‌ساز و هدایت می‌کند.</p>	<p>توسط ده‌دار و شورای روستا تدوین و تأیید می‌شود: طبق بند (۳) ماده (۱۰۵) مقررات روستا نیازمند تصویب ریجنت نیست، اما باید حداکثر تا دو هفته پس از تصویب یک نسخه از طریق چامات به وی ارائه شود.</p>	<p>توسط ده‌دار، پس از مشورت/ توافق با شورا تدوین و توسط دولت ریجنسی تأیید می‌شود: ماده (۱۸) بیان می‌دارد؛ ده‌دار پس از مشورت/ توافق با شورای روستا تصمیم روستا را تعیین می‌کند. طبق ماده (۱۹) تصمیمات روستا نباید با منافع عمومی، مقررات منطقه‌ای و قوانین و مقررات قابل اجرا در تضاد باشد.</p> <p>طبق بند (۱) ماده (۳۴) تصمیمات روستا درخصوص موضوعات معین تنها پس از تأیید ریجنت به اجرا در می‌آیند. طبق بند (۲) ماده مذکور تصمیمات روستا و تصمیمات ده‌دار که مغایر با منافع عمومی، مقررات منطقه‌ای و سایر مقررات قانونی باشد توسط ریجنت لغو می‌شود.</p>	مقرره‌گذاری روستا
<p>درآمدهای روستا، اعتبارات مالی به صلاحدید مرکزی و منطقه‌ای و منابع محلی: طبق بند (۳) ماده (۲۱۲) منابع درآمدی روستا عبارتند از: درآمدهای اصلی روستا، سهم از مالیات‌های منطقه‌ای و عوارض ریجنسی، بخشی از اعتبارات مالی متوازن‌سازی مرکزی و منطقه‌ای دریافت شده توسط ریجنسی، کمک مالی از سوی دولت مرکزی، دولت استانی و دولت ریجنسی، و کمک‌ها از سوی اشخاص ثالث.</p>	<p>درآمدهای روستا، اعتبارات مالی به صلاحدید دولت مرکزی و منطقه‌ای و منابع محلی: طبق ماده (۱۰۷) منابع درآمد اصلی روستا عبارتند از: الف) درآمدهای اصلی روستا شامل عواید کسب‌وکار روستا، عواید ثروت روستا،^۱ نتایج خودیاری و مشارکت، نتایج همکاری متقابل و سایر درآمدهای قانونی روستا و ب) بخشی از درآمد حاصل از مالیات و عوارض منطقه‌ای، بخشی از اعتبارات متوازن‌سازی منطقه‌ای دریافت شده توسط دولت ریجنسی، کمک‌های دولت مرکزی و دولت استانی، و کمک‌های مالی از سوی اشخاص ثالث، و وام‌های روستا.^۳</p>	<p>درآمدهای روستا، اعتبارات مالی به صلاحدید دولت، دولت منطقه‌ای، و سایر درآمدهای مالی: طبق ماده (۲۱) منابع درآمد روستا عبارتند از: الف) درآمد اصلی خود روستا شامل عواید حاصل از زمین‌های روستا؛^۱ عواید حاصل از خودیاری و مشارکت جامعه روستایی، نتایج همکاری متقابل، و عواید حاصل از سایر کسب‌وکارهای قانونی روستا و ب) درآمدهای حاصل از کمک‌های مالی دولتی و دولت منطقه‌ای شامل کمک‌های دولت مرکزی، کمک‌های دولت منطقه‌ای، و بخشی از مالیات و عوارض منطقه‌ای که به روستا داده می‌شود و سایر درآمدهای قانونی.</p>	تأمین مالی روستا

1. Village Treasury Lands
2. Village Wealth Proceeds
3. Village Loans



قانون ۲۰۰۴/۳۲	قانون ۱۹۹۹/۲۲	قانون ۱۹۷۹/۵	
<p>روستا دارای خودمختاری گسترده، اما هم‌زمان تحت نظارت ریجنسی قرار دارد: طبق بند (۱۱) ماده (۲۱۶) مقررات منطقه‌ای باید حقوق، ریشه‌ها و سنت‌های روستا را به رسمیت بشناسند و به آن احترام بگذارند.</p> <p>طبق بند «۵» ماده (۲۱۲) مدیریت مالی قریه توسط ده‌دار انجام می‌شود باین‌حال، طبق بند «۶» ماده (۲۱۲) دستورالعمل برای مدیریت مالی روستا، توسط ریجنت طبق مقررات قانونی تعیین می‌شود.</p> <p>طبق جزء «ت» بند «۱۱» ماده (۲۶)، معاون ریجنت، نظارت و ارزیابی اداره دولت در روستاها را برعهده دارد.</p>	<p>به روستا خودمختاری بسیار گسترده با پاسخ‌گویی ضعیف به سطح بالایی اعطا شد: بند «۲» ماده (۱۱۱) بیان می‌دارد: «مقررات منطقه‌ای، باید حقوق خاستگاه و آداب و رسوم روستا را به رسمیت بشناسد و به آن احترام بگذارد».</p> <p>طبق بند «ب» ماده (۱۰۲) ده‌دار گزارش‌های مربوط به اجرای وظایف خود را به ریجنت ارائه می‌دهد.</p>	<p>شدیداً تحت اقتدار ریجنسی است و هیچ استقلالی برای تصویب مقررات یا بودجه ندارد: بند «۳» ماده (۳۴) بیان می‌دارد نظارت کلی بر اجرای دولت روستا توسط وزیر امور داخله، رئیس دولت منطقه‌ای سطح یک و رئیس دولت منطقه‌ای سطح دوم انجام می‌شود.^۱</p>	روابط با ریجنسی

مآخذ: [۱۱]، [۱۵]، [۱۴]، [۱۶]، [۱۷].

علاوه بر این، روستاییان خود به ندرت در ارزیابی اینکه آیا در نهایت این طرح‌ها به نفع آنها خواهد بود یا خیر درگیر می‌شدند. موفقیت طرح‌ها بر اساس شاخص‌های مادی و فیزیکی اندازه‌گیری می‌شد نه بر اساس دیدگاه و نظرات مردم محلی. انتقادات از مقررات شماره ۲۰۰۵/۷۲ را می‌توان به عنوان دستور کاری برای تغییر خواند که در نهایت منجر به قانون شماره ۲۰۱۴/۶ در مورد روستا شد.

اولین چیزی که از دست رفته بود، تأیید تنوع زندگی اجتماعی در مناطق روستایی اندونزی در قوانین حاکم بود. این استدلال وجود داشت که قانون ملی باید چارچوب لازم را ایجاد کند که در آن طیف گسترده‌ای از نهادهای محلی و سبک‌های حکمرانی می‌توانند کار کنند. دوم، خودمختاری اعطا شده به روستاها محدود به «بقایای»^۲ آنچه بود که پس از اجرای تمام سیاست‌های دولت ریجنسی باقی می‌ماند. بنابراین روستاها هیچ استقلالی در مدیریت طرح‌های دولتی که هدف‌شان حمایت از روستاها بود، نداشتند. سوم، بسیاری از این برنامه‌ها و طرح‌ها بدون دخالت مستقیم خود روستاها طراحی،

پس از تصویب قانون ۲۰۰۴/۳۲، مقررات دولتی شماره ۷۲ سال ۲۰۰۵ درباره مسائل مربوط به سازمان دولت روستایی تصویب شد. مقررات مذکور تقریباً ابزاری برای اجرای حقوقی یا سیاست‌ها ارائه نکرد، باین‌حال در بردارنده سازوکاری برای یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به امور مالی روستا بود. بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵، بودجه به منظور طرح‌های توسعه‌ای در سطح روستا به طور قابل توجهی افزایش یافت، اما روستاها فقط توانستند درباره بخش کوچکی از آن تصمیم بگیرند. مقررات شماره ۲۰۰۵/۷۲ فرصت‌ها برای روستاها جهت به دست آوردن کنترل بر این بودجه‌ها را افزایش داد، اما به شیوه‌ای غیر برابر. بدین صورت که دولت‌های روستایی مجبور بودند طرح‌های پیشنهادی خود را ارائه دهند و برای تأمین مالی آن در رقابت با روستاهای دیگر، لابی کنند. بنابراین جامعه روستا به ده‌دار و مهارت‌های وی برای برنده شدن طرح‌ها وابسته شد و در حالی که برخی از روستاها طرح‌هایی به دست آوردند، بسیاری از روستاها موفق به جذب هیچ طرحی نشدند.

۱. طبق قانون در قانون ۱۹۷۴/۵ در مورد اصول دولت منطقه‌ای:

ماده (۳): «به منظور اجرای اصل عدم تمرکز، مناطق سطح یک و سطح دوم تشکیل می‌شوند و ساختار می‌یابند».

ماده (۷۲):

۱. به منظور اجرای اصل عدم تمرکز، قلمرو حکومت تک‌ساخت جمهوری اندونزی به مناطق استانی و پایتخت ملی تقسیم می‌شود.

۲. قلمروهای استانی به ریجنسی‌ها و شهرداری‌ها تقسیم می‌شوند.

۳. نواحی ریجنسی و شهرداری به کچامتان‌ها تقسیم می‌شوند.

۴. در صورت لزوم با توجه به رشد و با پیشرفت توسعه، می‌توان شهرها را درون نواحی ریجنسی تشکیل داد که ترتیبات اداری آن توسط مقررات دولت تعیین می‌شود.

ماده (۷۴):

۱. نام و مرزهای مناطق سطح یک با نام و مرزهای استانی یا پایتخت ملی یکسان است.

۲. نام و مرزهای مناطق سطح دوم با نام و مرزهای ریجنسی یا شهرداری یکسان است.

۳. مرکز یک منطقه سطح یک باید مرکز یک منطقه استانی باشد.

۴. مرکز یک منطقه سطح دو مرکز یک منطقه ریجنسی است.

روستایی بود، و اینکه کدام بخش از قانون اساسی ۱۹۴۵ است که روستا باید طبق آن تنظیم شود. با این حال، مقاومت وزارت امور داخله برای کنار گذاشتن کامل کنترل بر روستاها بسیار قوی بود. در پایان، یک سیستم ترکیبی سازش مورد موافقت قرار گرفت. بدین صورت که در قانون شماره ۶ سال ۲۰۱۶، روستا طبق بند «۲» ماده (۱۸) (ب) قانون اساسی، به عنوان یک واحد جامعه قانونی به رسمیت شناخته شد، اما با یک دولت روستایی که توسط حکومت اندونزی به رسمیت شناخته شده است. حکومتی که طبق ماده (۱۸) قانون اساسی حمایت و بودجه را برای روستا فراهم می‌کند [۱۱]. در نهایت دیدگاه‌های اعضای مجلس نمایندگان خلق نیز توسط دولت مورد پذیرش واقع گردید و بخش‌هایی از دیدگاه‌های آن در مورد روستاهای سنتی^۲، ساختارهای پاسخ‌گویی، جریان‌های مالی و توسعه روستایی در قانون ۲۰۱۴/۶ گنجانده شد. پس از تصویب قانون ۲۰۱۴/۶ در مورد روستا، «مقررات دولتی ۲۰۱۴/۴۳، درباره آیین‌نامه اجرایی اجرای قانون ۲۰۱۴/۶ درباره روستا» و «مقررات شماره ۲۰۱۴/۶۰ در مورد اعتبارات روستا»^۳ به ترتیب توسط رئیس‌جمهور در ماه ژوئن و ژوئیه ۲۰۱۴ تصویب شد. مقررات مذکور توسط وزارت امور داخله بدون مشورت زیاد، با عجله تدوین شد و منعکس‌کننده دیدگاه محافظه‌کارانه‌تر از دولت روستایی به عنوان پایین‌ترین سطح اداره دولتی، و نه به عنوان جامعه‌ای خودگردان است [۹]. در ادامه به شاخص‌ها و فرایند تشکیل، انحلال و ادغام روستا، در قانون ۲۰۱۴/۶، استفساریه آن و نیز آیین‌نامه اجرایی قانون ۲۰۱۴/۶ پرداخته می‌شود و مباحث مرتبط با اداره روستا در گزارشی مجزا مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تصمیم‌گیری و اجرایی شدند. چهارم، بین طرح‌های در سطح روستا و فعالیت‌های توسعه در سطح فوق روستایی شکاف‌هایی وجود داشت. این چهار استدلال، مبنای یک فرایند بسیج قانونی را فراهم کرد. در اواسط سال ۲۰۰۷ وزیر امور داخله رسماً تصمیم به تدوین پیش‌نویس قانون روستا گرفت. به عبارتی دقیق‌تر، دولت تصمیم گرفت که قانون خودمختاری منطقه‌ای شماره ۲۰۰۴/۳۲ را با سه قانون جداگانه جایگزین کند: یکی در مورد دولت منطقه‌ای، دیگری در مورد انتخابات رؤسای منطقه‌ای و دیگری در مورد دولت روستایی. علاوه بر این، در وزارت امور داخله، «اداره کل دولت و جامعه روستایی»^۱ یک نقطه ورود برای لابی‌گرانی شد که درخواست‌هایی برای تعیین چگونگی محتوای قانون داشتند؛ از جمله اینکه پیش‌نویس قانون به گونه‌ای تدوین شود که کارکنان دولت روستا بتوانند عضو یک حزب سیاسی شوند، دوره مدیریت آنها تمدید شود و وضعیت کارمند دولت را به دست آورند. در درون وزارت کشور نیز بین کسانی که به طور کلی برای خودمختاری بیشتر روستا تلاش می‌کردند و دیگری که عمدتاً علاقه‌مند به افزایش قدرت خود بودند، شکاف‌هایی وجود داشت [۹].

همچنین اختلاف نظر اساسی در خصوص پیش‌نویس اولیه وزارت امور داخله در سال ۲۰۱۰ که چیزی بیش از تدوین یک آیین‌نامه اجرایی برای قانون ۲۰۰۴/۳۲ درباره روستا به عنوان پایین‌ترین سطح مدیریتی دولت نبود، میان وزارت امور داخله و دیگر مقامات دولتی و اعضای مجلس نمایندگان خلق، که تمایل به تبدیل روستا به یک جامعه خودگردان خارج از بوروکراسی دولتی داشتند، وجود داشت. این منعکس‌کننده یک تفاوت اساسی در دیدگاه جوامع

۴. قانون ۲۰۱۴/۶ در خصوص روستا

قانون ۲۰۱۴/۶ روستا به طور کلی (روستا، و روستای سنتی) را بدین شرح تعریف کرده است: «واحدهای جامعه قانونی دارای

قانون ۲۰۱۴/۶ دربردارنده احکامی برای ایجاد و مدیریت دو نوع از روستاها شامل روستا^۴ و روستاهای سنتی^۵ است. بند «۱» ماده (۱)

1. The Directorate General of Village Government and Society

2. Adat

4. Desa

5. Desa Adat

۶. در این گزارش صرفاً به احکام مربوط به روستا (دسا) در قانون ۲۰۱۴/۶ پرداخته می‌شود. گفتنی است که «دسا» و «آدات» ریشه سانسکریت دارند. دسا به معنای منطقه خودمختار و آدات به معنای غیرمادی است. لذا از لحاظ ریشه‌شناسی دسا آدات به معنای منطقه‌ای خودمختار است که امور جامعه را گذشته از جنبه‌های مادی، طبق جنبه‌های غیرمادی براساس سنت‌ها و آداب و رسوم تنظیم و اداره می‌کند. این اصطلاح به طور ضمنی دربردارنده عناصری مانند مالکیت بر قلمرو، حاکمیت سنتی، حقوق سنتی/عرفی و وجود پیوندهایی با مکان است [۱۸]. لازم به ذکر است که طی سال‌های گذشته اندونزی شاهد احیای آدات در قوانین خود بوده است. در کل از منظر قانونگذاری از آدات تعبیر به سنت یا عرف می‌شود.



است: «ایجاد روستا... عمل ایجاد یک روستای جدید در خارج از روستای موجود است». در استفسار به قانون در توضیح این بند ذکر شده است که ایجاد روستا می‌تواند به شکل الف) تقسیم یک روستا به دو روستا یا بیشتر، ب) ادغام بخش‌هایی از روستاهای همجوار برای تبدیل به یک روستا، ج) ادغام چندین روستا و تبدیل آنها به یک روستای جدید باشد. همچنین قانون، تشکیل قریه،^۴ یا آنچه با عنوان دیگری نامیده می‌شود درون قلمرو روستا، را با توجه به خاستگاه، آداب و رسوم و ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی جامعه روستا به رسمیت شناخته است (بند «۴» ماده (۸)).

طبق بند «۲» ماده (۸)، ایجاد یک روستا «توسط مقررات منطقه‌ای ریجنسی/شهر با در نظر گرفتن ابتکار عمل جامعه روستا، خاستگاه، سنت‌ها، شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه روستا، و نیز توانایی و پتانسیل روستا تعیین می‌شود».

طبق بند «۳» ماده (۸)، برای ایجاد یک روستا باید شرایط زیر احراز شود:

نخست، برای انتزاع یک روستای جدید، از روستای مادر، شرط سنی تعیین شده است. طبق جزء «الف» بند «۳» ماده (۸)، «محدودیت سنی روستای مادر حداقل ۵ (پنج) سال از تاریخ تشکیل است». بدین معنا که یک روستا از زمان تشکیل تا پنج سال نمی‌تواند تقسیم شود.

دوم، برای ایجاد روستا حدنصاب جمعیتی تعیین شده، اما این حدنصاب مطلق نیست. در واقع برای مناطق مختلف کشور، حدنصاب‌های جمعیتی متفاوتی برای ایجاد روستا تعیین شده است.

مرزهای قلمرویی که دارای اختیار برای تنظیم و مدیریت امور دولتی و منافع جامعه بر اساس ابداعات جامعه، حقوق خاستگاه، و/یا حقوق سنتی می‌باشند که در سیستم دولتی حکومت تک‌ساخت اندونزی به رسمیت شناخته شده و مورد احترام هستند.^۱ طبق ماده (۵)، روستاها درون مناطق شهر/ریجنسی واقع شده‌اند.

۱-۴. شاخص‌های ایجاد، انحلال، ادغام و تغییر وضعیت روستا

فصل سوم قانون «ترتیبات روستا» نام دارد. ترتیبات روستا شامل «الف» ایجاد، ب) انحلال، ج) ادغام، د) تغییر وضعیت،^۲ ه) تعیین روستاست.^۳ (بند «۴» ماده (۷)) ترتیبات روستا بر اساس نتایج ارزیابی سطح توسعه دولت روستا مطابق با مفاد قوانین و مقررات صورت می‌گیرد (بند «۲» ماده (۷)).

قانون، هدف از ترتیبات روستا را بدین نحو مقرر کرده است: «الف) تحقق بخشیدن به اثربخشی مدیریت دولت روستا، ب) تسریع در بهبود رفاه جامعه روستا، ج) تسریع بهبود کیفیت خدمات عمومی، د) بهبود کیفیت حکمرانی دولت روستا، ه) افزایش رقابت پذیری روستا» (بند «۳» ماده (۷)). طبق بند «۱» ماده (۷): «دولت مرکزی، دولت منطقه‌ای استانی و دولت منطقه‌ای ریجنسی/شهر» دارای صلاحیت به منظور انجام ترتیبات روستا هستند. در ادامه به ترتیبات مذکور پرداخته می‌شود:

۱-۴. ایجاد روستا

در بند «۱» ماده (۸)، عمل ایجاد روستا بدین شرح تعریف شده

جدول ۲. حدنصاب جمعیتی برای ایجاد روستا طبق جزء «ب» بند «۳» ماده (۸) قانون ۲۰۱۴/۶ درباره روستا [۳]

ردیف	منطقه	حدنصاب جمعیتی برای ایجاد روستا
۱	جاوه	حداقل ۶,۰۰۰ نفر یا ۱,۲۰۰ سرپرست خانوار
۲	بالی	حداقل ۵,۰۰۰ نفر یا ۱,۰۰۰ سرپرست خانواده
۳	سوماترا	حداقل ۴,۰۰۰ نفر یا ۸۰۰ سرپرست خانوار
۴	سولاوسی جنوبی و سولاوسی شمالی	حداقل ۳,۰۰۰ نفر یا ۶۰۰ سرپرست خانوار

۱. در متون انگلیسی دسا آدات به عباراتی مانند روستای سنتی و روستای بومی ترجمه شده است.
 ۲. در استفسار به قانون در توضیح این بند آمده است: منظور از «تغییر وضعیت»، تبدیل یک روستا به یک کلوراهان و تبدیل یک کلوراهان به یک روستا و نیز تغییر از یک روستای عرفی به یک روستاست.
 ۳. در استفسار به قانون در توضیح تعیین به‌عنوان روستا (Village Determination) آمده است: منظور از «تعیین» تعیین یک واحد جامعه حقوقی عرفی و روستاهای سنتی موجود جهت تبدیل به روستاهای سنتی برای اولین بار، طبق مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنسی است.

ردیف	منطقه	حدنصاب جمعیتی برای ایجاد روستا
۵	نوسا تنگارا غربی	حداقل ۲,۵۰۰ نفر یا ۵۰۰ سرپرست خانوار
۶	سولوسی مرکزی، سولوسی غربی، سولوسی جنوب شرقی، گورنتالو و کالیمانتان جنوبی	حداقل ۲,۰۰۰ نفر یا ۴۰۰ سرپرست خانوار
۷	کالیمانتان شرقی، کالیمانتان غربی، کالیمانتان مرکزی و کالیمانتان شمالی	حداقل ۱,۵۰۰ نفر یا ۳۰۰ سرپرست خانوار
۸	نوسا تنگارا شرقی، مالوکو و مالوکو شمالی	حداقل ۱,۰۰۰ نفر یا ۲۰۰ سرپرست خانوار
۹	پاپوا و پاپوا غربی	حداقل ۵۰۰ نفر یا ۱۰۰ سرپرست خانوار

۲-۱-۴. انحلال و ادغام روستاها

طبق (ماده ۹) «روستاها ممکن است به دلیل بلایای طبیعی و/یا منافع طرح استراتژیک ملی^۳ منحل شوند». طبق بند «۲» ماده (۱۹) آیین نامه اجرایی قانون انحلال روستا، در اختیار دولت است. قانون، ادغام روستاها را موکول به توافق روستاهای مربوطه کرده است. طبق ماده (۱۰): «دو یا چند روستای هم مرز ممکن است براساس توافق روستاهای مربوطه با رعایت الزامات مشخص شده در این قانون در یک روستای جدید ادغام شوند».

۳-۱-۴. تغییر وضعیت روستاها

طبق ماده (۲۰) آیین نامه اجرایی قانون، تغییر در وضعیت روستا عبارت است از: الف) تبدیل روستا (دسا) به کلوراهان، ب) تبدیل کلوراهان به روستا، ج) تبدیل روستای سنتی به روستا. در ادامه به موارد مذکور پرداخته می شود:

الف) تبدیل روستا به کلوراهان: طبق ماده (۱۱) قانون «یک روستا می تواند وضعیت خود را به یک کلوراهان،^۴ براساس ابتکار دولت روستا و شورای روستا^۵ با در نظر گرفتن پیشنهادهای و نظرات جامعه روستا تغییر دهد». در این صورت «تمام اموال روستا و منابع درآمد روستایی که تبدیل به کلوراهان می شود، به ثروت/دارایی های دولت منطقه ای ریجنسی/شهر تبدیل می شوند که برای بهبود رفاه جامعه در کلوراهان مورد استفاده قرار می گیرد و تأمین بودجه^۶ کلوراهان برعهده بودجه درآمدی و هزینه ای

سوم، برای ایجاد روستا، محدوده مربوطه علاوه بر دو مورد فوق، باید دارای سایر الزامات، به شرح زیر باشد:

- حوزه های کاری که به حمل و نقل بین منطقه ای دسترسی دارد،
- فرهنگ اجتماعی که بتواند هماهنگی را در زندگی اجتماعی، مطابق با سنت های روستا ایجاد کند،
- دارای پتانسیل هایی شامل منابع طبیعی، منابع انسانی و منابع اقتصادی حمایتی باشد،
- مرزهای قلمرو روستا در قالب یک نقشه روستا که در مقررات ریجنت/شهر دار تعیین شده است، مشخص باشد،
- امکانات و زیرساخت ها برای دولت روستا و خدمات عمومی،
- در دسترس بودن وجوه عملیاتی، درآمد ثابت و سایر کمک هزینه ها برای کارکنان دولت روستا مطابق با مفاد قوانین و مقررات (جزء های «پ»، «ت»، «ث»، «ج»، «ح» و «خ» بند «۳» ماده (۸)).
- چهارم، قانون برای ایجاد روستا، یک دوره «مقدماتی» (آماده سازی) را مقرر کرده است. طبق بند «۵» ماده (۸) ایجاد یک روستا «از طریق یک روستای مقدماتی^۷ انجام می شود». روستای مقدماتی در واقع بخشی از قلمرو روستای مادر است (بند «۶» ماده (۸) که می توان آن را در یک دوره (یک الی سه) ساله به وضعیت روستا ارتقا داد (بند «۷» ماده (۸)). ارتقای وضعیت یک روستای مقدماتی به روستا براساس نتایج ارزیابی انجام می شود (بند «۸» ماده (۸)). پنجم، طبق ماده (۱۳) «دولت می تواند در راستای منافع ملی اقدام به تشکیل روستاها در مناطق ویژه و استراتژیک بکند».

1. Inter-Regional Transportation

2. A Preparatory Village

۳. طبق استفساریه قانون منظور از «طرح استراتژیک ملی» برنامه هایی برای احداث مخازن (Reservoir) یا سدهاست که منطقه روستا را پوشش می دهد.

4. Kelurahan

5. Badan Permasyarakatan Desa (Village Consultative Body)

۶. طبق استفساریه قانون، منظور از بودجه، در این بند تأمین وجوه پایان خدمت (Severance Pay)، برای دهمدار و کارکنان روستایی است که در نتیجه تغییر وضعیت یک روستا به یک کلوراهان برکنار می شوند.



حداقل ۳,۰۰۰ نفر یا ۶۰۰ سرپرست خانوار، منطقه نوساتنگار را حداقل ۲,۵۰۰ نفر یا ۵۰۰ سرپرست خانوار، منطقه سولاوسی مرکزی، سولاوسی غربی، سولاوسی جنوب شرقی، گوروتالو و کالیمانتان جنوبی، حداقل ۲,۰۰۰ نفر جمعیت یا ۴۰۰ سرپرست خانوار، منطقه کالیمانتان شرقی، کالیمانتان غربی، کالیمانتان جنوبی، و کالیمانتان شمالی حداقل ۱,۵۰۰ نفر جمعیت یا ۳۰۰ سرپرست خانوار، منطقه نوساتنگار شرقی، مالوکو و مالوکوی شمالی حداقل ۱,۰۰۰ نفر جمعیت یا ۲۰۰ سرپرست خانوار و منطقه پاپوا و پاپوا غربی حداقل ۵۰۰ نفر یا ۱۰۰ سرپرست خانوار،

۳ زیرساخت‌ها و امکانات دولتی برای اجرای دولت روستا،

۴ پتانسیل اقتصادی در حال رشد،

۵ شرایط فرهنگی-اجتماعی در حال رشد جامعه،

۶ کمیت و کیفیت در حال افزایش خدمات.

۲-۴. فرایند انجام ترتیبات روستا

ترتیبات روستا طبق قانون براساس مقررات منطقه‌ای انجام می‌شود. در این زمینه ماده (۱۴) تأکید می‌کند: ایجاد، انحلال، ادغام و یا تغییر وضعیت یک روستا برای تبدیل به کلوراهان، مقرر در مواد (۸)، (۹)، (۱۰) و (۱۱) یا تبدیل وضعیت یک کلوراهان به یک روستا، مندرج در ماده (۱۲)، در «مقررات منطقه‌ای» تصریح می‌شود.

گفتنی است که فرایند ابتدایی ترتیبات روستا (فرایند ایجاد روستای مقدماتی و مراحل قبل از تدوین و تصویب پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای در خصوص ایجاد، انحلال، ادغام و یا تغییر وضعیت روستا و ارائه به استاندار) در آیین‌نامه اجرایی قانون تشریح شده و مراحل پس از آن در قانون تشریح شده است. در ادامه براساس قانون ۲۰۱۴/۶ و آیین‌نامه اجرایی آن، فرایند ترتیبات روستا تشریح می‌شود.

۱-۲-۴. فرایند ایجاد روستا به ابتکار دولت مرکزی

طبق بند «ب» ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی قانون ۲۰۱۴/۶ درباره روستا (مقررات دولتی شماره ۲۰۱۴/۴۳) ایجاد روستا می‌تواند به ابتکار دولت مرکزی یا دولت منطقه‌ای شهر/ریجنسی انجام شود. آیین‌نامه اجرایی قانون ۲۰۱۴/۶ فرایند تشکیل روستا، زمانی که به ابتکار دولت مرکزی انجام می‌شود را بدین شرح مقرر داشته است: دولت می‌تواند در راستای منافع ملی اقدام به ایجاد روستاها

منطقه‌ای ریجنسی/شهر است». طبق ماده (۲۱) آیین‌نامه اجرایی قانون، برای تغییر وضعیت یک روستا (دسا) به کلوراهان باید الزامات زیر برآورده شود:

الف) مساحت ناحیه تغییر نمی‌کند،

ب) جمعیت حداقل باید ۸,۰۰۰ نفر یا ۱,۶۰۰ سرپرست خانوار برای مناطق جاوه و بالی و حداقل ۵,۰۰۰ نفر یا ۱,۰۰۰ سرپرست خانوار برای مناطق خارج از جاوه و بالی باشد،

ج) دارای امکانات و زیرساخت‌های دولتی برای اجرای دولت کلوراهان باشد،

د) دارای پتانسیل اقتصادی در قالب انواع و تعداد مشاغل خدماتی و تولیدی و نیز تنوع معیشت باشد،

ه) شرایط فرهنگی-اجتماعی جامعه در قالب تنوع وضعیت جمعیت و تغییر از یک جامعه کشاورزی به یک جامعه صنعتی و خدماتی، و کمیت و کیفیت در حال افزایش خدمات.

ب) تبدیل کلوراهان به روستا: طبق ماده (۱۲) «دولت منطقه‌ای شهر/ریجنسی می‌تواند وضعیت کلوراهان را براساس ابتکار عمل جامعه و با برآوردن الزامات تعیین شده مطابق با مفاد قوانین و مقررات به یک روستا تغییر دهد». «کلوراهان‌هایی که وضعیت‌شان به روستا تغییر می‌یابد، امکانات و زیرساخت‌هایشان به اموال روستا تبدیل می‌شود و توسط روستای مربوطه به نفع جامعه روستا اداره می‌شوند». «بودجه برای تغییر در وضعیت کلوراهان از بودجه درآمدی و هزینه‌ای شهر/ریجنسی تأمین می‌شود». همچنین طبق بند «۱» ماده (۴۲) آیین‌نامه اجرایی قانون، تغییر وضعیت یک کلوراهان به یک روستا فقط در کلوراهان‌هایی می‌تواند انجام شود که زندگی جامعه هنوز مشخصه‌های روستایی دارد.

ج) تبدیل روستای سنتی به روستا: طبق ماده (۲۵) آیین‌نامه اجرایی قانون، وضعیت یک روستای سنتی را می‌توان به روستا تغییر داد. برای تغییر وضعیت یک روستای سنتی به روستا، باید الزامات زیر برآورده شود:

۱ مساحت ناحیه تغییر نمی‌کند،

۲ جمعیت: برای منطقه جاوه حداقل ۶,۰۰۰ نفر یا ۱,۲۰۰ سرپرست خانوار، منطقه بالی حداقل ۵,۰۰۰ نفر یا ۱,۰۰۰ سرپرست خانوار، منطقه سوماترا حداقل ۴,۰۰۰ نفر یا ۸۰۰ سرپرست خانوار، منطقه سولاوسی جنوبی و سولاوسی شمالی

۱. در استفسار به قانون در توضیح این بند آمده است: منظور تغییر وضعیت یک کلوراهان به یک روستاست یا اینکه بخشی از یک کلوراهان تبدیل به یک روستا می‌شود و مابقی به‌عنوان یک کلوراهان باقی می‌ماند.

صورت گرفته در مجمع مشورتی روستا تبدیل به داده‌هایی برای بررسی و درون داد^۴ برای شهردار/ریجنت در انجام تقسیم روستا می‌شود (بند «۲» ماده (۹)). نتایج توافق صورت گرفته در مجمع مشورتی روستا مندرج در بند «۲» به‌طور کتبی به شهردار/ریجنت ارائه می‌شود (بند «۳» ماده (۹)).

طبق ماده (۱۰) آیین‌نامه اجرایی قانون، شهردار/ریجنت پس از دریافت نتایج موافقت مجمع مشورتی روستا، مندرج در بند «۳» ماده (۹)، تیم ایجاد روستای مقدماتی را تشکیل می‌دهد (بند «۱» ماده (۹)). تیم ایجاد روستای مقدماتی، تشکیل شده از حداقل: الف) عنصری از دولت منطقه‌ای شهر/ریجنسی که مسئول دولت روستا، توانمندسازی جامعه، برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای و قوانین و مقررات روستاست، ب) چامات یا آنچه با اسم دیگری نامیده می‌شود، ج) عناصر دانشگاهی در زمینه دولت، برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، توسعه و جامعه^۵ (بند «۲» ماده (۱۰)).

تیم ایجاد روستای مقدماتی وظیفه انجام بررسی الزامات ایجاد روستای مقدماتی مطابق با مفاد قانون را دارد (بند «۳» ماده (۱۰)). نتایج بررسی تیم ایجاد روستای مقدماتی مندرج در بند «۳» در قالب یک توصیه بیان می‌شود که آیا ایجاد روستای مقدماتی مناسب است یا خیر (بند «۴» ماده (۱۰)). در صورتی که ایجاد روستای مقدماتی امکان‌پذیر اعلام شود، شهردار/ریجنت، مقررات در خصوص ایجاد روستای مقدماتی را تصویب می‌کند (بند «۵» ماده (۱۰)). طبق ماده (۱۱)، روستاهای مقدماتی مندرج در بند «۵» ماده (۱۰) می‌تواند حداکثر ظرف مدت سه سال پس از تعیین به‌عنوان روستای مقدماتی، به وضعیت روستا ارتقا یابد.

طبق ماده (۱۲) آیین‌نامه اجرایی قانون، شهردار/ریجنت، مقررات شهردار/ریجنت مندرج در بند «۵» ماده (۱۰) را به استاندار ارسال می‌کند (بند «۱» ماده (۱۱)). براساس مقررات شهردار/ریجنت، مندرج در بند «۱» استاندار یک نامه حاوی کد ثبت روستای مقدماتی صادر می‌کند (بند «۲» ماده (۱۱)). کد ثبت روستای مقدماتی، مندرج در بند «۲» بخشی از کد روستای اصلی است (بند «۳» ماده (۱۱)). نامه استاندار، مندرج در بند «۲» به‌عنوان مبنایی برای شهردار/ریجنت برای انتصاب سرپرست روستای مقدماتی است (بند «۴» ماده (۱۱)). سرپرست روستای مقدماتی مندرج در بند «۴» از میان کارمندان دولت منطقه‌ای

در مناطق ویژه و استراتژیک کند (بند «۱» ماده (۳) آیین‌نامه). ابتکار ایجاد روستا می‌تواند توسط وزارخانه‌های ذی‌ربط/نهادهای دولتی غیروزارتی پیشنهاد شود (بند «۲» ماده (۳)). پیشنهاد مذکور به وزیر^۱ ارائه می‌شود^۲ (بند «۳» ماده (۳)).

طبق ماده (۵) آیین‌نامه پیشنهاد مذکور برای ابتکار ایجاد روستا توسط وزیر، همراه با وزیر/رئیس نهاد دولتی غیروزارتی آغازگر ابتکار ایجاد روستا و نیز دولت‌های استانی و شهر/ریجنسی مربوطه به بحث گذاشته می‌شود (بند «۱» ماده (۵)). وزیر ممکن است در انجام بحث‌های مندرج در بند «۱» از وزیر/رئیس نهاد دولتی غیروزارتی ذی‌ربط درخواست رسیدگی^۳ کند (بند «۲» ماده (۵)). با توجه به نتایج بحث، اگر با ایجاد روستا موافقت شود، وزیر حکمی مبتنی بر تأیید ایجاد روستا صادر می‌کند (بند «۳» ماده (۵)). حکم مذکور الزام‌آور است و توسط دولت منطقه‌ای شهر/ریجنسی از طریق تصریح در مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنسی در خصوص ایجاد روستا به آن عمل می‌شود (بند «۴» ماده (۵)). مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنسی مندرج در بند «۴» باید حداکثر ظرف مدت ۲ سال از زمان فرمان وزیر تصویب شود (بند «۵» ماده (۵)).

۲-۲-۴. فرایند ایجاد روستا به ابتکار دولت منطقه‌ای، قبل از ارائه پیش‌نویس به استاندار

طبق ماده (۶) آیین‌نامه اجرایی قانون ۲۰۱۴/۶، ابتکار ایجاد روستا مقرر در بند «ب» ماده (۲)، توسط دولت منطقه‌ای شهر/ریجنسی براساس نتایج ارزیابی سطح توسعه روستاهای ناحیه است (بند «۱» ماده (۶)). دولت منطقه‌ای شهر/ریجنسی برای ایجاد روستا باید ابتکارات جامعه روستا، خاستگاه، سنت‌ها، شرایط اجتماعی-فرهنگی جامعه روستا و همچنین قابلیت‌ها و پتانسیل‌های روستا را در نظر بگیرد (بند «۲» ماده (۶)).

طبق ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی قانون، دولت‌های منطقه‌ای شهر/ریجنسی در ایجاد روستاها از طریق تقسیم یک روستا به دو یا بیشتر از دو روستا، موظفند طرح تقسیم روستا را به روستای مادر و جامعه روستایی مربوطه ارائه دهند. طرح تقسیم روستا، مندرج در ماده (۸) توسط شورای روستا در مجمع مشورتی روستا برای کسب توافق به بحث گذاشته می‌شود (بند «۱» ماده (۹)). نتایج توافق

۱. طبق بند «۱۴» ماده (۱) آیین‌نامه: منظور از وزیر، وزیری است که روستاها را اداره می‌کند.

۲. گفتنی است که طبق ماده (۴) آیین‌نامه اجرایی قانون ۲۰۱۴/۶، ایجاد روستا می‌تواند در شکل تقسیم یک روستا به دو یا بیشتر از دو روستا و ادغام بخش‌هایی از روستاهای مجاور برای ایجاد یک روستا و یا ادغام چندین روستا و ایجاد یک روستای جدید باشد.

3. Consideration

4. Input

5. Perencanaan Pengembangan Wilayah, Pembangunan, Dan Social Kemasyarakatan



شهردار پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای را برای ارزیابی به استاندار ارائه می‌دهد (بند «۷») (ماده (۱۳)).

گفتنی است که طبق ماده (۱۶) آیین‌نامه اجرایی قانون ۲۰۱۴/۶ در خصوص روستا، چنانچه نتایج بررسی و مطالعه حاکی از آن باشد که روستای مقدماتی شایسته ارتقا به وضعیت یک روستا نیست، روستای مقدماتی منحل و قلمرو آن به روستای اصلی (مادر) باز می‌گردد. انحلال و بازگشت روستای مقدماتی به روستای مادر توسط مقررات ریجنت/شهردار صورت می‌گیرد.

همچنین طبق ماده (۱۷) آیین‌نامه اجرایی قانون ۲۰۱۴/۶، مقررات مربوط به ایجاد روستاها از طریق تقسیم روستا، مندرج در مواد (۸) تا (۱۶) آیین‌نامه اجرایی در خصوص ایجاد روستاها از طریق ادغام بخش‌هایی از دو یا چند روستای مجاور و تبدیل آنها به یک روستای جدید نیز اعمال می‌شود.

طبق ماده (۱۸) آیین‌نامه اجرایی قانون، ایجاد یک روستا از طریق ادغام چندین روستا و تبدیل آنها به یک روستای جدید نیز براساس توافق روستاهای مربوطه انجام می‌شود (بند «۱»). این توافق از طریق مکانیسم ذیل انجام می‌شود: الف) شورای روستای مربوطه جلسه مجمع مشورتی را سازماندهی می‌دهد، ب) نتایج مذاکرات در مجمع مشورتی هر روستا تبدیل به داده‌هایی برای توافق در خصوص ادغام روستا می‌شود، ج) نتایج توافق در مجمع مشورتی روستا در تصمیم مشترک شورای روستا تعیین می‌شود، د) تصمیم مشترک شورای روستا به امضای دهدار روستای مربوطه می‌رسد، ه) دهداران روستاهای مربوطه به‌طور مشترک، ادغام روستاها را به شهردار/ریجنت در یک پیشنهاد کتبی با ضمیمه کردن توافق‌نامه مشترک ارائه می‌کنند (بند «۲»). ادغام روستاها مندرج در بند «۱» توسط مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنت تعیین می‌شود (بند «۳»).

۳-۲-۴. فرایند انجام تغییر وضعیت روستا به ابتکار دولت منطقه‌ای، قبل از ارائه پیش‌نویس به استاندار

الف) تغییر وضعیت روستا به کلوراهان

طبق ماده (۲۲)، تغییرات در وضعیت روستا به کلوراهان براساس ابتکار دولت روستا همراه با شورای روستا با در نظر گرفتن پیشنهادات و نظرات جامعه محلی روستا انجام می‌شود (بند «۱»).

شهر/ریجنتی برای مدت حداکثر یک سال منصوب می‌شود و طی مدت مسئولیت، تصدی وی می‌تواند حداکثر تا دو بار تمدید شود (بند «۵»). سرپرست روستای مقدماتی مندرج در بند «۵»، از طریق دهدار روستای مادر (اصلی) نسبت به ریجنت/شهردار مسئول است (بند «۶»).

سرپرست روستای مقدماتی، مندرج در بند «۶» دارای وظیفه ایجاد روستای مقدماتی شامل: الف) تعیین مرزهای قلمرو روستا مطابق با اصول نقشه‌کشی، ب) مدیریت تدوین بودجه عملیاتی روستا که از بودجه درآمدی و هزینه‌ای روستای مادر تأمین می‌شود، ج) تشکیل ساختار سازمانی، د) انتصاب مسئولین روستا، ه) تهیه تسهیلات اولیه برای ساکنان روستا، و) توسعه زیرساخت‌ها و امکانات دولت روستا، ز) جمع‌آوری داده‌ها در خصوص جمعیت، پتانسیل اقتصادی، فهرست زمین و توسعه امکانات اقتصادی، آموزشی و بهداشتی، ح) گشایش^۲ دسترسی به ارتباطات بین‌روستایی^۳ است (بند «۷»). سرپرست روستا در انجام وظایف خود مشارکت جامعه روستا را نیز لحاظ می‌کند (بند «۸») (ماده (۱۲) آیین‌نامه اجرایی قانون).

طبق ماده (۱۳) آیین‌نامه، سرپرست روستا گزارش در خصوص پیشرفت اجرای امور روستای مقدماتی^۴ مندرج در بند «۷» ماده (۱۲) را به الف) دهدار روستای اصلی (مادر)، ب) ریجنت/شهردار از طریق رئیس کچامتان یا مقام منصوب دیگر ارائه می‌دهد (بند «۱»). گزارش مذکور در بند «۱» به صورت دوره‌ای و رندوم هر ۶ ماه یک‌بار ارسال می‌شود (بند «۲»). گزارش مندرج در بند «۲» تبدیل به داده‌هایی برای ملاحظات و درون‌داد^۵ برای شهردار/ریجنت می‌شود (بند «۳»).

این گزارش توسط شهردار/ریجنت به تیم بررسی و راستی‌آزمایی ارائه می‌شود (بند «۴»). اگر نتایج مطالعه و راستی‌آزمایی، مندرج در بند «۴»، حاکی از این باشد که روستای مقدماتی شایسته تبدیل به یک روستاست، شهردار/ریجنت پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنتی در خصوص تبدیل یک روستای مقدماتی به یک روستا را تدوین می‌کند (بند «۵»). پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنتی مندرج در بند «۵» با پارلمان محلی شهر/ریجنتی به بحث گذاشته می‌شود (بند «۶»). چنانچه پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنتی مندرج در بند «۶» به‌طور مشترک به تأیید شهردار/ریجنت و پارلمان محلی شهر/ریجنتی برسد، ریجنت/

1. Anggaran Pendapatan Dan Belanja (APB)
2. Opening
3. Inter-Village Communications
4. Implementation of the Preparatory Village
5. Input

(بند «۲»). توافق حاصل از مجمع مشورتی روستای سنتی، مندرج در بند «۲»، در قالب یک تصمیم (مصوبه) بیان می‌شود (بند «۳»). تصمیم منتج از مجمع مشورتی روستای سنتی مندرج در بند «۳» توسط ده‌دار روستای سنتی به شهردار/ریجنت به‌عنوان پیشنهاد تغییر وضعیت یک روستای سنتی به روستا ارائه می‌شود (بند «۴»). شهردار ریجنت، گروهی را برای انجام بررسی و تأیید پیشنهاد رئیس روستای سنتی مندرج در بند «۴» تشکیل می‌دهد (بند «۵»). نتایج مطالعه و تأیید مندرج در بند «۵» به‌عنوان درون‌داد برای شهردار/ریجنت برای تأیید یا عدم تأیید پیشنهاد تغییر وضعیت روستای سنتی به روستاست (بند «۶»). در صورتی که شهردار/ریجنت پیشنهاد برای تغییر وضعیت یک روستای سنتی به روستا را تأیید کند، شهردار/ریجنت پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای در خصوص تغییر وضعیت روستای سنتی به روستا را به پارلمان محلی شهر/ریجنسی به‌منظور بحث و تصویب مشترک ارائه می‌کند (بند «۷»). در صورتی که پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنسی، مندرج در بند «۷»، به‌طور مشترک به تأیید ریجنت/شهردار و پارلمان محلی شهر/ریجنسی برسد، شهردار/ریجنت پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنسی را برای ارزیابی به استاندار ارائه می‌کند.^۲ گفتنی است که طبق ماده (۲۷) مقررات مربوط به ارزیابی پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنسی مبنی بر ایجاد روستاها، تخصیص شماره ثبت، و تخصیص کد روستا، مندرج در ماده (۱۴) تا ماده (۱۵)، متقابلاً در تعیین پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنسی در خصوص تغییر وضعیت روستاهای سنتی به روستاها، تخصیص شماره ثبت، و تخصیص کد روستا اعمال می‌شود.

۴-۲-۴. فرایند ایجاد، انحلال و تغییر وضعیت روستا پس از ارائه پیش‌نویس به استاندار

پس از اینکه پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای در مورد ایجاد، انحلال، ادغام و/یا تغییر وضعیت روستا به کلوراهان یا تغییر وضعیت کلوراهان به روستا که تأیید مشترک ریجنت/شهردار و پارلمان شهر/ریجنسی را دارد به استاندار ارائه می‌شود (بند «۱» ماده (۱۵) قانون ۲۰۱۴/۶) فرایند به‌شرح زیر تکمیل می‌شود:

■ استاندار پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای در مورد ایجاد، انحلال، ادغام و/یا تغییر وضعیت روستا به کلوراهان یا تغییر وضعیت

ابتکار مذکور در بند «۱»، در مجمع مشورتی روستا مورد بحث و توافق قرار می‌گیرد (بند «۲»). توافق حاصل از مجمع مشورتی روستا، مندرج در بند «۲»، در قالب یک تصمیم (تصویب‌نامه) بیان می‌شود (بند «۳»). تصمیم منتج از مجمع مشورتی روستا، مندرج در بند «۳»، توسط ده‌دار به شهردار/ریجنت به‌عنوان پیشنهاد تغییر وضعیت روستا به کلوراهان ارائه می‌شود (بند «۴»). شهردار/ریجنت تیمی را برای انجام بررسی و تأیید پیشنهاد ده‌دار مندرج در بند «۴» تشکیل می‌دهد (بند «۵»). نتایج مطالعه و تأیید، مندرج در بند «۵»، به‌عنوان درون‌داد برای شهردار/ریجنت برای تأیید یا عدم تأیید پیشنهاد تغییر وضعیت روستا به کلوراهان است (بند «۶»). در صورتی که شهردار/ریجنت پیشنهاد تغییر وضعیت یک روستا به کلوراهان را تأیید کند، شهردار/ریجنت پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنسی در خصوص تغییر وضعیت روستا به کلوراهان را به پارلمان محلی شهر/ریجنسی برای بحث و تصویب مشترک ارائه می‌کند (بند «۷»). بحث و تصویب پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنسی در خصوص تغییر وضعیت یک روستا به یک کلوراهان مطابق با مفاد مقررات قانونی انجام می‌شود (بند «۸»). طبق ماده (۲۳)، ده‌دار، مسئولین روستا و اعضای شورای روستایی که وضعیت آن به کلوراهان تغییر یافته است، محترمانه^۱ از سمت خود عزل می‌شوند (بند «۱»). به ده‌دار، مسئولین دولت روستا و اعضای شورای روستا، مندرج در بند «۱»، پاداش و/یا حق سنوات (مزایای پایان خدمت) متناسب با ظرفیت مالی دولت منطقه‌ای شهر/ریجنسی اعطا می‌شود (بند «۲»). پُر کردن پست‌های رئیس کلوراهان و دستگاه کلوراهان، مندرج در بند «۱»، از میان کارمندان دولت منطقه‌ای شهر/ریجنسی مربوطه، مطابق با احکام قانون انجام می‌شود (بند «۳»).

گفتنی است که آیین‌نامه اجرایی در خصوص فرایند تبدیل کلوراهان به روستا، (قبل از ارائه پیش‌نویس به استاندار) سکوت کرده است.

ب) تغییر وضعیت روستای سنتی به روستا

طبق ماده (۲۶) آیین‌نامه اجرایی قانون، تغییر در وضعیت روستاهای سنتی به روستاها براساس ابتکار دولت روستا همراه با شورای روستا با در نظر گرفتن پیشنهادها و نظرات جامعه محلی روستا انجام می‌شود (بند «۱»). ابتکارات ذکر شده در بند «۱» در مجمع مشورتی روستای سنتی مورد بحث و توافق قرار می‌گیرد

1. Honorably

۲. گفتنی است که در ماده (۲۸) آیین‌نامه، تغییر وضعیت روستا به روستای سنتی نیز پیش‌بینی شده است. طبق ماده (۲۸)، دولت مرکزی، دولت منطقه‌ای استانی، و دولت منطقه‌ای شهر ریجنسی می‌توانند وضعیت یک روستا را به یک روستای سنتی تغییر دهند (بند «۱»). مقررات مربوط به رویه‌ها برای تغییر وضعیت یک روستا به یک روستای سنتی توسط آیین‌نامه وزارتی تنظیم می‌شود.



■ در صورتی که استاندار، در بازه زمانی مقرر در بند «۱»، پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای، مقرر در ماده (۱۵) را تأیید نکند یا رد نکند، ریجنت/شهردار می‌تواند پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای را تصویب کند و دبیر منطقه‌ای^۲ آن را در روزنامه منطقه‌ای^۳ اعلام کند (بند «۴» ماده (۱۶)).

■ در صورتی که ریجنت/شهردار پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای را که به تأیید استاندار رسیده است را توشیح نکند، پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای ظرف ۲۰ روز پس از تاریخ تأیید توسط استاندار به صورت خودکار معتبر^۴ اعلام می‌شود (بند «۵» ماده (۱۶)).

همچنین طبق ماده (۱۷) مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنسی در مورد ایجاد، انحلال، ادغام و تغییر وضعیت روستاها به کلوراهان یا کلوراهان به روستا، پس از اخذ شماره ثبت^۵ از استاندار و کد روستا^۶ از وزیر ابلاغ می‌شود (بند «۱»). مقررات منطقه‌ای شهر/ریجنسی، همراه با یک نقشه پیوست از مرزهای قلمرو روستاست^۷ (ماده (۱۷)).

کلوراهان به روستا، مندرج در بند «۱»، را براساس فوریت، منافع ملی، منافع منطقه‌ای، منافع جامعه روستا و/یا قوانین و مقررات ارزیابی می‌کند (بند «۲» ماده (۱۵) قانون).

■ استاندار حداکثر تا ۲۰ روز پس از دریافت پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای، تأیید پیش‌نویس مذکور را اعلام می‌کند (بند «۱» ماده (۱۶) قانون).

■ در صورتی که استاندار پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای، مندرج در بند «۱» را تأیید کند، دولت منطقه‌ای شهر/ریجنسی حداکثر تا ۲۰ روز آن را برای تبدیل به مقررات منطقه‌ای توشیح خواهد کرد (بند «۲» ماده (۱۶)).

■ در صورتی که استاندار از تأیید پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای مندرج در بند «۱» خودداری کند، پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای قابلیت تصویب ندارد و تا ۵ (پنج) سال پس از رد آن توسط استاندار، امکان ارائه مجدد نخواهد داشت^۱ (بند «۳» ماده (۱۶)).

۵. دلالت‌های سیاستی

مبتنی بر «مکان» نبوده؛ بلکه اصل را بر جامعه روستایی و اختیار آن برای تنظیم و مدیریت امور دولتی می‌گذارد که در مقایسه با تعریف روستا^۸ در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی، که هیچ اشاره‌ای به نحوه مدیریت روستا ندارد، قابل تأمل است.

۲ قانون ۲۰۱۴/۶ برای ایجاد یک روستا، شاخص‌های متعددی را تعیین کرده است. حداقل شرط سنی (پنج سال) برای تقسیم یک روستا، حدنصاب جمعیتی، وجود پتانسیل‌ها از جنبه‌های مختلف، وجود امکانات و زیرساخت‌ها برای ارائه خدمات عمومی،

قانون ۲۰۱۴/۶ حکومت اندونزی درباره روستا، استفساریه قانون مذکور، و نیز آیین‌نامه اجرایی آن در بردارنده دلالت‌هایی به شرح زیر است:

۱ تعریف روستا در قانون اندونزی که بیان می‌دارد روستا «واحدهای جامعه قانونی دارای مرزهای قلمرویی [مشخص] هستند که صلاحیت تنظیم و مدیریت امور دولتی و منافع جامعه براساس ابداعات جامعه، حقوق خاستگاه، و/یا حقوق سنتی را دارا می‌باشند و در سیستم دولتی حکومت تک‌ساخت اندونزی به رسمیت شناخته شده و مورد احترام هستند»، تعریفی صرفاً

۱. طبق ماده (۱۶) آیین‌نامه اجرایی قانون ۲۰۱۴/۶ در خصوص روستا، چنانچه نتایج بررسی و مطالعه حاکی از آن باشد که روستای مقدماتی شایسته ارتقای وضعیت به یک روستا نیست، روستای مقدماتی منحل و قلمرو آن به روستای اصلی (مادر) بازمی‌گردد. انحلال و بازگشت روستای مقدماتی به روستای مادر توسط مقررات ریجنت/شهردار صورت می‌گیرد.

2. Regional Secretary
3. Regional Gazette
4. Valid
5. Registration Number
6. Village Code

۷. طبق استفساریه قانون تهیه نقشه‌های مرز روستا باید با مشارکت سازمان‌های فنی مربوطه باشد.
۸. ماده (۲) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵ بیان می‌دارد: «روستا واحد مبدأ تقسیمات کشوری است که از لحاظ محیط زیستی (وضع طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) همگن بوده که با حوزه و قلمرو معین ثبتی یا عرفی مستقل که حداقل تعداد ۲۰ خانوار یا صد نفر اعم از متمرکز یا پراکنده در آنجا سکونت داشته باشند و اکثریت ساکنان دائمی آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به یکی از فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، باغداری به‌طور اعم و صنایع روستایی و صید و یا ترکیبی از این فعالیت‌ها اشتغال داشته باشند و در عرف به‌عنوان ده، آبادی، دهکده یا قریه نامیده می‌شده است».

دارد. این رویه در مقایسه با نظام تقسیمات کشوری در ایران که تنها ارتقای وضعیت روستا به شهر را در نظر گرفته و تبدیل شهر به روستا در این قانون پیش‌بینی نشده است، و نظر به تبصره «۵» ماده (۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری که بیان می‌دارد «روستاهای مرکز بخش با هر جمعیتی و روستاهای واجد شرایط چنانچه دارای سه هزار و پانصد نفر جمعیت باشند شهر شناخته می‌شوند» قابل تأمل است. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که روند رو به رشد شهرهای کوچک ناکارآمد طی دهه‌های اخیر که از آنها با عنوان روستاشهر، خام‌شهر و شهر انگلی یاد می‌شود، سبب به هم ریختگی نظام سلسله‌مراتب سکونتگاهی کشور شده است. مطالعات انجام شده حاکی از این است که بسیاری از شهرهای مذکور، نه تنها به اهداف اولیه ایجادشان، و از جمله تثبیت جمعیت و کم کردن جریان‌های مهاجرتی به سمت شهرهای بزرگ دست نیافته‌اند؛ بلکه حوزه نفوذ روستایی‌شان را نیز از دست داده‌اند؛ از برخی حمایت‌های قانونی مناطق روستایی نیز بی‌بهره شده‌اند و به دلیل برآورده نشدن انتظارات بدون پشتوانه مردم از تبدیل شدن به شهر، با نارضایتی مردم مواجه هستند [۲].

۳۳ ایجاد، ادغام و تغییر وضعیت روستاها در اندونزی طبق مقررات منطقه‌ای (استانی) انجام می‌شود و نه تصویب قانون. البته ایجاد روستا از طریق ابتکار دولت در «مناطق ویژه و استراتژیک» امکان‌پذیر است، اما در نهایت باید در مقررات منطقه‌ای تصریح شود. نکته مهم در خصوص فرایند ایجاد، انحلال، ادغام و تغییر وضعیت روستاها در اندونزی این است که در قانون و آیین‌نامه اجرایی آن فرایند گام‌به‌گام ایجاد، انحلال، ادغام و تغییر وضعیت روستاها قبل از ارائه پیش‌نویس مقررات منطقه‌ای به استاندار و پس از آن ذکر شده و در این زمینه دیدگاه‌های جامعه محلی در مراحل ابتدایی فرایند در نظر گرفته شده است. این رویه از آن جهت قابل تأمل است که در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، هرگونه انتزاع، الحاق، تبدیل، ایجاد و ادغام و نیز تعیین و تغییر مرکزیت و تغییر نام و نام‌گذاری واحدهای تقسیمات کشوری، به‌جز استان را به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیئت‌وزیران موکول کرده و قانون در خصوص فرایند شکل‌گیری و تصویب پیشنهاد ایجاد و یا تغییر وضعیت روستا سکوت اختیار کرده است.

و وجود منابع مالی از جمله این شاخص‌هاست. در خصوص شاخص‌های ایجاد روستا نکات ذیل قابل تأمل است:

نخست اینکه وجود حداقل شرط سنی، ضمن اینکه به‌عنوان یک عامل بازدارنده برای تکثیر روستاها عمل می‌کند، خود به بلوغ یک روستا (از نظر توسعه‌ای و ...) قبل از تقسیم کمک می‌کند.

دوم اینکه، برای ایجاد روستا، حدنصاب جمعیتی تعیین شده، اما این حدنصاب مطلق نیست. در واقع برای مناطق مختلف کشور، حدنصاب‌های جمعیتی متفاوتی برای ایجاد روستا تعیین شده است. این حدنصاب از حداقل ۲۵۰۰ نفر یا ۶۰۰ سرپرست خانوار برای سولاوسی جنوبی و سولاوسی شمالی تا حداکثر ۶۰۰۰ نفر یا ۱۲۰۰ خانوار برای منطقه جاوه متفاوت است. انعطاف در خصوص حدنصاب جمعیتی برای تشکیل روستا در این قانون در مقایسه با حدنصاب ۱۰۰ نفر جمعیت یا حداقل تعداد ۲۰ خانوار برای ایجاد روستا در کل کشور، در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی، قابل توجه است. گفتنی است که نواحی مختلف کشور شرایط متفاوتی از منظر تراکم جمعیت، شرایط اقتصادی، زیرساختی و ... دارند. طبعاً حدنصاب جمعیتی برای تشکیل روستا باید برای مثال در نواحی اطراف پایتخت متفاوت از مناطق کویری و کم‌تراکم کشور باشد.

سوم اینکه، قانون ۲۰۱۴/۶ همانند تشکیل استان، شهر و ریجنسی برای ایجاد روستا نیز یک دوره «مقدماتی» (آماده‌سازی) را مقرر کرده است. بدین صورت که طی یک دوره یک تا سه‌ساله مقدمات و زیرساخت‌های لازم برای تشکیل روستا ایجاد می‌شود. همچنین وظایف سرپرست روستای مقدماتی به‌صورت دقیق در قانون مشخص شده است. این رویه منجر به این می‌شود که قبل از اینکه رسماً یک مکان وضعیت روستا را داشته باشد، نیروی انسانی و زیرساخت‌های خدمات‌رسانی به روستاییان در مکان مذکور مستقر شود.

چهارم، در قانون ۲۰۱۴/۶ درباره روستا، «تغییر وضعیت روستا» پیش‌بینی شده است و این تغییر وضعیت شامل ارتقای سطح روستا به وضعیت کلوراهان و نزول سطح کلوراهان به وضعیت یک روستا، و تغییر وضعیت یک روستای سنتی به یک روستاست. در این زمینه تغییر وضعیت یک کلوراهان به یک روستا در مواردی انجام می‌شود که زندگی جامعه در کلوراهان هنوز «مشخصه‌های روستایی»



۶. نتیجه گیری



از منظر فرایند، ایجاد، ادغام و تغییر وضعیت روستاها طبق مقررات منطقه‌ای (استانی) انجام می‌شود و نه تصویب قانون. هر چند اندونزی، به عنوان یک کشور مجمع‌الجزایری، از منظر جغرافیایی - سیاسی شرایطی متفاوت از کشور ما دارد، اما با این حال می‌توان برخی از تجارب مثبت این کشور در زمان اصلاح قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری را مدنظر قرار داد. به کار گرفتن ترکیبی از شاخص‌های متنوع قلمرویی، اقتصادی، اداری و... برای ایجاد روستا و تعریف آن در قانون؛ پیش‌بینی حدنصاب‌های جمعیتی متفاوت جهت تشکیل روستا متناسب با ویژگی‌های جغرافیایی طبیعی و انسانی مناطق مختلف کشور؛ پیش‌بینی فرایند گام‌به‌گام اداری برای تشکیل یک روستا در قانون؛ پیش‌بینی ایجاد یک روستای مقدماتی، به منظور ایجاد زیرساخت‌های مختلف مورد نیاز، قبل از اینکه یک محدوده جغرافیایی رسماً تبدیل به روستا شود؛ و پیش‌بینی گزینه تبدیل وضعیت شهرهای کم جمعیت، ناکارآمد و دارای مشخصه‌های روستایی به روستا در قانون؛ از جمله نقاط مثبت قانون ۲۰۱۴/۶ حکومت اندونزی در خصوص روستاست.

در کشور اندونزی، تشکیل و اداره روستا تابع قانون خاص خود است. آخرین قانون در این زمینه قانون ۲۰۱۴/۶ درباره روستاست که همراه با استفساریه و آیین‌نامه‌های مربوطه، شاخص‌ها و فرایند تشکیل، انحلال، ادغام و تغییر وضعیت روستا و نیز نحوه اداره روستا را تعیین کرده است. در این گزارش، به شاخص‌ها و فرایند تشکیل، انحلال، ادغام و تغییر وضعیت روستا در قانون مذکور و آیین‌نامه اجرایی آن پرداخته شد. همان‌گونه که در گزارش تشریح شد در اندونزی شرط سنی پنج سال برای انتزاع یک روستای جدید، از روستای مادر، حدنصاب‌های جمعیتی متفاوت جهت ایجاد روستا برای مناطق مختلف کشور؛ وجود پتانسیل‌ها در زمینه منابع طبیعی، منابع انسانی و منابع اقتصادی حمایتی؛ وجود امکانات و زیرساخت‌ها برای دولت روستا و خدمات عمومی؛ و در دسترس بودن وجوه عملیاتی، درآمد ثابت و سایر کمک‌هزینه‌ها برای کارکنان دولت روستا به عنوان شاخص‌های ایجاد روستا تعیین شده است. همچنین قانون و آیین‌نامه‌های مربوطه فرایند ایجاد، انحلال و ادغام روستا را به صورت دقیق و گام‌به‌گام شرح داده است.

منابع و مأخذ



- [۱]. بابایی، محسن؛ ورمزیاری، حجت، رازانی، بهروز. «بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور، بخش مدیریت و توسعه روستایی و عشایری». دفتر مطالعات زیربنایی، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۸۰۶۸، ۱۴۰۰، ۲-۳.
- [۲]. میراحمدی، فاطمه سادات. «ارزیابی عملکرد دولت دوازدهم در خصوص تأسیس شهرستان، بخش، دهستان و شهر از منظر مطابقت با قوانین موجود». دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل: ۱۸۳۰۲ مورخ تیرماه ۱۴۰۱.
- [3]. UNDANG-UNDANG REPUBLIK INDONESIA NOMOR 6 TAHUN 2014. TENTANG DESA. . 2014: indonesia.
- [4]. PENJELASAN ATAS UNDANG-UNDANG REPUBLIK INDONESIA NOMOR 6 TAHUN 2014 TENTANG DESA.
- [5]. PERATURAN PEMERINTAH REPUBLIK INDONESIA NOMOR 43 TAHUN 2014 TENTANG PERATURAN PELAKSANAAN UNDANG-UNDANG NOMOR 6 TAHUN 2014 TENTANG DESA.
- [6]. PENJELASAN ATAS PERATURAN PEMERINTAH REPUBLIK INDONESIA NOMOR 43 TAHUN 2014 TENTANG PERATURAN PELAKSANAAN UNDANG-UNDANG NOMOR 6 TAHUN 2014 TENTANG DESA. Retrieved 23/12/2023 from www.djpp.kemendikham.go.id.
- [7]. Saragi, N.B., M.K. Muluk, and I.G.E.P.S. Sentanu, Indonesia's Village Fund Program: Does It Contribute to Poverty Reduction? Jurnal Bina Praja: Journal of Home Affairs Governance, 2021. 13(1): p. 65-80.
- [8]. World Bank, Indonesian Village Governance under the new Village Law (2015-2018) Sentinel Villages Report. world Bank. May 2020. . 2020, world Bank.
- [9]. Jacqueline, V., Y. Zakaria, and A. Bedner, Law-making as a strategy for change: Indonesia's new Village Law. Asian Journal of Law and Society, 2017. 4(2): p. 447-471.
- [10]. Nurcholis, C. and S.W. Kridasakti, Reconstruction of the local government model based on the concept of the founding fathers and the 1945 constitution juncto the 1945 constitution of the Republic of Indonesia towards modern local government. Yustisia Jurnal Hukum, 2018. 7(3): p. 534-568.
- [11]. Antlöv, H., A. Wetterberg, and L. Dharmawan, Village governance, community life, and the 2014 village law in Indonesia. Bulletin of Indonesian economic studies, 2016. 52(2): p. 161-183.
- [12]. Adi, N. Three essays on village development in Indonesia. Thesis of Doctor of Philosophy of The University of Western Australia UWA Business School Economics. 2022. Supervisor Professor Anu Rammohan.



- [13] .Haug, M., M. Rössler, and A.-T. Grumblyes, Introduction: Contesting and reformulating centre–periphery relations in Indonesia, in Rethinking power relations in Indonesia. 2016, Routledge. p. 1-25.
- [14] .UNDANG-UNDANG REPUBLIK INDONESIA NOMOR 22 TAHUN 1999 TENTANG PEMERINTAHAN DAERAH. retrieved 7.06.2023 from <https://peraturan.go.id/files/uu22-1999.pdf>.
- [15] .UNDANG-UNDANG REPUBLIK INDONESIA NOMOR 5 TAHUN 1979 TENTANG PEMERINTAHAN DESA. Retrieved 20/12/2023 from <http://www.djpp.depkumham.go.id>.
- [16] .UNDANG-UNDANG REPUBLIK INDONESIA NOMOR 32 TAHUN 2004 TENTANG PEMERINTAHAN DAERAH. Retrieved 20/12/2023 from <http://www.djpp.depkumham.go.id>.
- [17] .UNDANG-UNDANG REPUBLIK INDONESIA NOMOR 23 TAHUN 2014 TENTANG PEMERINTAHAN DAERAH. Retrieved 02/010/2023 from <https://peraturan.go.id/files/uu23-2014bt.pdf>.
- [18] .ATMAJA, J. M. W. THE ORIGINS OF DESAADAT (CUSTOMARY VILLAGES): INITIAL UNDERSTANDING AND CONCEPTUAL REGULATION OF DESAADAT IN BALI. 2020. Retrieved 02/12/2023 from <https://udayanetworking.unud.ac.id/lecturer/scientific/1649-gede-marhaendra-wija-atmaja/the-origins-of-desa-adat-customary-villages-initial-understanding-and-conseptual-regulation-of-desa-adat-in-bali-1398>.

گزیده سیاستی

تعیین و تعریف شاخص‌های متنوع، حدنصاب‌های جمعیتی متفاوت متناسب با ویژگی‌های جغرافیای طبیعی و انسانی مناطق مختلف کشور، و پیش‌بینی فرایند گام‌به‌گام اداری جهت ایجاد روستا از جمله نقاط مثبت «قانون ۲۰۱۴/۶، درباره روستا» در اندونزی است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir